

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۱۹۸  
شنبه ۹ فروردین ماه ۱۳۵۹ - ۱۵۵۰ شماره ۱۵۰ ریال

# امام خمینی در پیام خویش بر ضرورت تامین امنیت و رعایت نظم و قانون تاکید کرد

بزرگترین عامل مخل اینست، هزارها مزدور جنایتکار ساواک اند که از چنگک دادگاههای انقلاب گریخته اند.

مقامات مسئول در رعایت قانون و تامین نظم، علاقه چندانی از خود نشان نمی دهند.

بخش مهمی از پیام نوروزی امام خمینی به ضرورت رعایت نظم و قانون و حفظ امنیت اختصاص دارد. امام در ادامه

اول پیام خویش، سال چاری ارسال بازگشت امنیت به ایران نامیده اند و در صواد دیگر پیام خویش نیز به

ضرورت رعایت قانون و نظم و پشتیبانی یگانه از انقلاب تاکید کرده اند.

در مورد ضرورت تامین امنیت و مسامت از ایجاد تشنج، ناآرامی بقیه در صفحه ۲

## ما هشدار میدهم: حضور شاه مخلوع در قاهره و شاپور بختیار در بغداد از عمق توطئه علیه انقلاب ایران حکایت میکند

بدنبال انتقال شاه مخلوع به قاهره، خبر میرسد که شاپور بختیار خائن نیز به بغداد آمده است. بدینسان نقشه شیطانی امپریالیسم آمریکا برای تشدید فعالیت توطئه گرانه علیه انقلاب ایران، با ایجاد دو مرکز ضد انقلابی در همسایگی ایران و توسط دومهره اصلی خود، وارد مرحله جدید خطرناکی شده است.

این واقعیت، هشدار جدی است به مردم انقلابی ایران، به همه میهن دوستان، آزادبخواهان و ترقیبخواهان میهن ما، به همه کسانی که به سر نوشت انقلاب ایران علاقمندند.

این واقعیت هشدار جدی است به همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران که اداره کشور را برعهده دارند و موظفند برای دفاع از انقلاب و سرکوب ضدانقلاب تدابیر قاطع و فوری اتخاذ کنند. هم میهنان!

در برابر توطئه های ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا و عمال آن هشیار باشید و برای عقیم گذاشتن این توطئه ها، صر شاطر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، متحد شوید و نقش مغرب نفاق افکنان و سازشکاران را، که برای ضد انقلاب زمینه سازی می کنند، افشاکنید و خنثی سازید.

## خطر تجاوز نظامی آمریکا به ایران خطری است واقعی، که باید برای خنثی کردن آن اقدام کرد

تصريح اعلام داشته اند که تجاوز نظامی به ایران راه در کتار تحریم اقتصادی و فشارهای سیاسی، از جمله وسائل می دانند که می توان برای پر کردن خلایق که با سقوط رژیم شاه مخلوع در ایران بوجود آمده، بکار برد. تمرکز و افزایش نیروهای نظامی آمریکا و نیروهای مسلح کشورهای زیر سلطه آمریکا پیرامون ایران، آشکارا نشان میدهد که تجاوز نظامی آمریکا به کشور ما تدارک دیده میشود و بنابراین خطر آن واقعی است.

در برابر این خطر واقعی، دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون در صحنه بین المللی چه کرده است؟ در واقع هیچ چه می توانسته است بکند؛ بسیار!

دولت جمهوری اسلامی ایران، با استناد به اظهارات رسمی مقامات آمریکایی و باز اذعان واقعیت تدارکات نظامی و افزایش قوای نظامی آمریکایی علیه ایران، می تواند به دولت ایالات متحده آمریکا اعتراض رسمی تسلیم کند، مسئله را در سازمان ملل متحد مطرح سازد، به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند، تشکیل کنفرانس فوق العاده کشورهای غیرمتحد را درخواست نماید، به یک رشته اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در سطح بین المللی متوسل شود. ولی دولت کشور ما هیچ اقدامی در جهت رفع خطر تجاوز نظامی آمریکا به ایران نکرده است، حتی در عرصه اقتصاد، گریهای تبلیغاتی.

شاید مقامات مسئول دولت کشور ما تصور میکنند که حمله نظامی آمریکا به ایران برای خود آمریکا در منطقه فتنه خیز خاور میانه اقدامی جنون آمیز است و نباید بماند. این آمریکا چنین دیوانگی نخواهد کرد. ولسی آیا میتوان دیوانگی رادریسیست امپریالیسم آمریکا امکان ناپذیر دانست؟ مگر دولت فاشیستی آلمان هیتلری به عنوان نیروی سر به ای امپریالیسم جهانی، با افروختن آتش جنگ جهانی دوم دیوانگی نکرد؟ مگر سیاست دالسی حرکت در لب پرتگاه جنگ، و ایجاد اصطلاح جنگ سرد، که هم اکنون کارتر مجددا در صدد احیاء آن است، دیوانگی نبود؟ مگر تجاوز به کوبا، که جهان را میتوانست به آتش بکشد و یا مکزیک را ویتنام، که میتوانست به جنگ جهانی گسترش یابد، دیوانگی نبود؟ دیوانگی امپریالیسم تجاوزکار و جهانخوار را هیچگاه نمیتوان و نباید از محاسبه خارج کرد. احتمال دیوانگی امپریالیسم همیشه وجود دارد و ما بوضوح شاهد عینی تدارکات اقدام به این دیوانگی در مجاورت بلا-فصل ایران هستیم.

شاید مقامات مسئول دولت کشور ما تصور میکنند که با نادیده گرفتن خطر تجاوز نظامی آمریکا، این خطر کم میشود. این پندار، اگر باشد، البته خطا است. نادیده

غیر از این که در این ایالات متحده آمریکا اعتراض رسمی تسلیم کند، مسئله را در سازمان ملل متحد مطرح سازد، به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند، تشکیل کنفرانس فوق العاده کشورهای غیرمتحد را درخواست نماید، به یک رشته اقدامات سیاسی و دیپلماتیک در سطح بین المللی متوسل شود. ولی دولت کشور ما هیچ اقدامی در جهت رفع خطر تجاوز نظامی آمریکا به ایران نکرده است، حتی در عرصه اقتصاد، گریهای تبلیغاتی.

شاید مقامات مسئول دولت کشور ما تصور میکنند که حمله نظامی آمریکا به ایران برای خود آمریکا در منطقه فتنه خیز خاور میانه اقدامی جنون آمیز است و نباید بماند. این آمریکا چنین دیوانگی نخواهد کرد. ولسی آیا میتوان دیوانگی رادریسیست امپریالیسم آمریکا امکان ناپذیر دانست؟ مگر دولت فاشیستی آلمان هیتلری به عنوان نیروی سر به ای امپریالیسم جهانی، با افروختن آتش جنگ جهانی دوم دیوانگی نکرد؟ مگر سیاست دالسی حرکت در لب پرتگاه جنگ، و ایجاد اصطلاح جنگ سرد، که هم اکنون کارتر مجددا در صدد احیاء آن است، دیوانگی نبود؟ مگر تجاوز به کوبا، که جهان را میتوانست به آتش بکشد و یا مکزیک را ویتنام، که میتوانست به جنگ جهانی گسترش یابد، دیوانگی نبود؟ دیوانگی امپریالیسم تجاوزکار و جهانخوار را هیچگاه نمیتوان و نباید از محاسبه خارج کرد. احتمال دیوانگی امپریالیسم همیشه وجود دارد و ما بوضوح شاهد عینی تدارکات اقدام به این دیوانگی در مجاورت بلا-فصل ایران هستیم.

شاید مقامات مسئول دولت کشور ما تصور میکنند که با نادیده گرفتن خطر تجاوز نظامی آمریکا، این خطر کم میشود. این پندار، اگر باشد، البته خطا است. نادیده

## شرکت کارگران در تدوین قانون جدید کار تامین نشده است چرا؟

وزیر کار و امور اجتماعی در یک گفتگوی اختصاصی، که در آغاز سال نو با خبرنگار کیهان داشته، مطالبی در مورد چگونگی تدوین قانون کار و آئین نامه شوراها بیان داشته است. در پاسخ این سوال بجای خبرنگار کیهان که، چرا در تهیه و تدوین قانون جدید کار از نظرات کارگران استفاده نمیشود کارگران به این مسئله اعتراض دارند، وزیر کار میگوید:

« فکر میکنم این کم لطفی این عده از کارگران باشد، چرا که آن دسته از کارگرانی که در جریان هستند، هرگز چنین صحبتی نمیکند. ما بارها در رادیو تلویزیون اعلام کردیم، شماره شده دادیم و استقبال هم شده است، پرسشنامه هایی تدوین کرده ایم که در کارخانجات پر میشود و از این طریق نظرات کارگران را جمع آوری میکنیم. »

بدینوسیله است که شرکت کارگران در تدوین قانون کار و استفاده از نظریات آنها در تنظیم قانونی که سر نوشت میلیونها کارگر صنعتی و غیر صنعتی طی سالهای آینده بدان بستگی دارد، نه از طریق ارسال پرسشنامه تامین میشود و نه با اعلام شماره تلفن، زیرا تعداد

۵ میلیون کارگر صنعتی و غیر صنعتی چنان در دل کارخانه ها و کارگاههای کوچک سراسر کشور پراکنده اند، که دست یافتن به نظریات آنان از طریق پرسشنامه از جمله محالات است.

بیش از ۷۰ درصد کارگران هنوز سواد خواندن و نوشتن ندارند و پرسشنامه وزارت کار را بخوانند و در برابر آن پاسخ بنویسند. وزارت کار با دهها هزار کارگاه کوچک پراکنده که شماره کارگران آن کمتر از ده نفر است و هرگز مشمول قوانین کار و بیمه های اجتماعی نبوده اند، تماسی ندارد تا بتواند پرسشنامه خود را به آنها برساند.

آیا آقای وزیر کار میتوانند بگویند که مثلا چگونه از نظر کارگران باختمانی، که شماره آنها نزدیک به یک میلیون نفر است، و در سراسر کشور پراکنده اند، مطلع شده اند؛ چگونه به نظریات کارگران کشاورزی، که نسبت به کارگران کل کارگران، کمترین آشنایی و در روستاهای دور افتاده پراکنده اند، دست یافته اند؟

شرکت کارگران در تدوین قانون کار به این معنا نیست که وزارت کار چند کارگر را دستچین کند و در کمیسیون تدوین قانون بشارند. بقیه در صفحه ۲

## فعالتهای توطئه گرانه عمال امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در کردستان گسترش می یابد

بناور، واقع در منطقه ننگه و با باخانی استان کرمانشاهان فعالیت میکنند، در حدود ۴۰۰ نفر اند و ماهانه ۲۰ دینار عراقی حقوق میگیرند. این مبلغ متناسب با تعداد افراد خانواده (برای هر عضو خانواده ۱۰ دینار) افزایش می یابد. حامد و محمد طهریگ بسا مصطفی ابیانی (از همکاران نزدیک کوروش لاشانی و عضو سازمان انقلابی-اخری رنجبر) و همچنین با احمد ابیانی، حاج یوسف شیخ و اهل شیخ صالح، فتح امین یگ، جبارتگر، یونس، صالح سید مراد، عبدالله سید مراد کریمی، ناصر احمد، محمود نظری، محمد کریم رحیمی سردار جانی و شیخ جلال حسینی همکاری نزدیک دارند. این افراد، بجز شیخ جلال حسینی که فعالیت خود را در اطراف مریوان، بانه و مریوان متمرکز کرده و بنام دفتر شیخ عزالدین حسینی تبلیغ میکند، همگی در مناطق باخانی، جوار رود تاوگوز، گلانی، ابیانی، امامی، طایبی، قلخالی فعالیت دارند.

فعالیت این عده بوسیله شخصی بنام فتح کریم از نزدیکان سردار جانی و از ایل گلارگه، که اکنون از مستشاران عالی رتبه سازمان امنیت عراق است، کنترل میشود. این افراد برای خود دارو دسته و تعدادی مزدور دارند و در حوزه فعالیت خود مردم را به ترک خانه و کاشانه و پناهنده شدن به عراق تشویق میکنند و سرپرستان خانواده ها را بمبوان مزدور با حقوقهای گزاف به

ضد انقلاب بر فعالتهای مغرب خود در کردستان افزوده است. نمونه های زیر یاتر این فعالیت دامنه دار و خطرناک است:

۱- شیخ جلال حسینی که تعداد زیادی مزدور دارد، از همکاران نزدیک رژیم بعثی عراق و رابط بین گروههای ضد انقلابی فعال در کردستان و رژیم بعثی عراق است. اسلحه های ارسالی از سوی عراق توسط این شخص تحویل دفتر عزالدین حسینی، محمد و گروههای مرتجع مریوان میشود. در تارسیخ ۱۲-۸۱۰۵ در اردوگاه پناهندگان ایران در حلبچه، شیخ جلال حسینی ضمن یک سخنرانی برای حاضرین، از صدام حسین و رژیم بعثی عراق بی چون و چر و ناجی خلق کرد یاد کرد!

این شخص در مدارس و شهرهای عراق نیز ضمن تشریح وارونه اوضاع ایران، بفتح رژیم بعثی عراق تبلیغ میکند. مرکز فعالیت این شخص در اطراف بانه، سردشت، مریوان و مریوان است.

۲- حامد محمد طهریگ از عناصر ریلد ساواک در نوسود و بانه هستند. افراد مذکور پس از سالها که در خارج ایران پناهنده بودند، به کردستان ایران بازگشته اند و مشغول فعالتهای تخریبی هستند. افراد وابسته به این دو شخص، که در

## کمک به اجرای تمام و کمال وقایع قانون اصلاحات ارضی و وظیفه کمیته های دهقانان بی زمین و کم زمین است

# در جریان محاکمه ۳ روحانی متهم گفته شد: آمریکا ۳ میلیارد دلار در آشوبهای تبریز خرج کرد

تبریز - خبرنگار کیهان - محاکمه سه تن از روحانیون تبریز به اتهام دخالت در آشوبهای این شهر از بعد از ظهر روز گذشته در دادگاه انقلاب اسلامی تبریز آغاز شد.

متهمین بلال بخشایشی فرزند غلام سرپرست کمیته ۳ تبریز محمد صابری فرزند محمدصادق کتاپوش و میرزا عباس سیدی فرد فرزند علی اکبر نام دارند.

موارد اتهام طبق کيفرخواست صادره از سوی دادیار دادسرای انقلاب تبریز در مورد متهم ردیف اول شرح زیر است:

۱- اقدام بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمله حزب خلق مسلمان به راديو تلویزیون تبریز و ایجاد آشوب و اغتشاش در شهر بطوریکه عدهای شهید و بسیاری به سختی مجروح گردیدند.

۲- رهبری چماقداران و آشوبگران متجاوز به مردم تبریز و راديو تلویزیون و استانداری بطور مستقیم و غیر مستقیم و تحریک مردم از راديو تلویزیون هم چنین توهین و افترا بستن به مراجع قانونی و شرعی توسط متهم.

۳- اخاذی و گرفتن رشوه به پروندسازی بر علیه افراد، زندانی نمودن غیر قانونی افراد، فحاشی و ناسزا گفتن به دستگیر شدگان در کمیته همچنین دستور ضرب و جرح وارد آوردن به دستگیر شدگان بخصوص پاسداران انقلاب دستگیر شده در خلق مسلمان.

موارد اتهام در مورد متهم ردیف دوم طبق کيفرخواست صادره از سوی دادیار دادسرای تبریز به این شرح اعلام شد:

۱- اقدام بر علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمله حزب خلق مسلمان به راديو تلویزیون تبریز و ایجاد آشوب و اغتشاش در شهر بطوریکه عدهای شهید و بسیاری به سختی مجروح گردیدند.

۲- رهبری نمودن چماقداران و آشوبگران متجاوز به مردم و راديو تلویزیون و استانداری بطور مستقیم و غیر مستقیم و تحریک مردم هم چنین توهین و افترا بستن به مراجع قانونی توسط متهم.

موارد اتهام میرزا عباس سیدی فرد فرزند علی اکبر طبق کيفرخواست صادره از سوی دادیار دادستان انقلاب تبریز به این شرح است:

۱- اقدام علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمله حزب خلق مسلمان به راديو تلویزیون تبریز و ایجاد آشوب و اغتشاش در شهر بطوریکه عدهای شهید و بسیاری به سختی مجروح گردیدند.

۲- رهبری نمودن چماقداران و آشوبگران متجاوز به مردم و راديو تلویزیون و استانداری به طور مستقیم و غیر مستقیم و ایراد سخنانی علیه گمراه کننده و تهییج نمودن مردم از راديو تلویزیون همچنین توهین و افترا بستن به مراجع قانونی توسط متهم.

در آغاز جلسه پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید رئیس دادگاه گفت: مسئله حزب خلق مسلمان و حوادث اخیر تبریز موضوع ساده ای نبود و آمریکا برای اوج گیری آن ۳ میلیارد دلار خرج کرده بود و روزانه ۲۰۰ خبرنگار خارجی وارد این شهر می شدند و طبق بررسی هایی که صورت گرفته معلوم شده فیلمهایی که تهیه می شد به اختیار تحویل داده می شد و وی نیز از فیلمهای مذکور در خارج از کشور بر علیه جمهوری اسلامی ایران و بدنام کردن آن استفاده می کرد عاملین این حادثه می شان بر این بود که تبریز را نیز به یک روستا دیگر تبدیل کنند غافل از اینکه موقعیت جغرافیایی تبریز به غیر از کردستان است.

رئیس دادگاه پس از شرح جزئیات حادثه نتیجه گرفت که موضوع تبریز قیام نبود بلکه توطئه ای بر علیه جمهوری اسلامی بود و افزود: امروز ما سه فرد روحانی را محاکمه نمی کنیم بلکه تمام عوامل حادثه را محاکمه می کنیم (کیهان، ۲۸ اسفند)

# در مطبوعات کشور

در استان لرستان

## نماینده تام الاختیار وزیر آموزش و پرورش ساواکی از آب درآمد

خرم آباد - خبرنگار کیهان - نماینده تام الاختیار وزیر آموزش و پرورش در استان لرستان بر اساس مدارک موجود در سازمان انرژی اتمی «خبرچین» ساواکی است. اصغر لطفی که چند ماهی است به استان لرستان آمده است و خود را نماینده تام الاختیار وزیر آموزش و پرورش در لرستان معرفی می کند. طی نامه شماره ۳۶۷۲۵ مورخه ۵۸/۱۱/۲۴ شورای ساواکی انرژی اتمی ایران (کمیته فیلادر آتجا کلامی کرد) به انجمن اسلامی آموزش و پرورش لرستان ساواکی است. متن نامه چنین است: موضوع: آقای اصغر لطفی سراسری طبق مدارک موجود در پرونده های حفاظت سازمان انرژی اتمی ایران آقای اصغر لطفی از خبرچینان حفاظت امن سازمان بوده و در ایجاد جو خفقان همکاری می نماید لذا نظر بر آنست که گویا به نامبرده سستی در آموزش و پرورش استان محول شده است مراتب جهت استحضار و هر گونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

بدیهی است این شورا برای هر گونه همکاری لازم آماده می باشد. دبیر شورای ساواکی - صادق ربانی

رونوشت این نامه به وزیر آسوزنی و پرورش و دکتر حسین عالی استاندار لرستان و انجمن اسلامی معلمان آموزش و پرورش تهران نیز ارسال شده است. فرهنگیان لرستان نیز با مراجعه به دفتر نماینده کیهان از وزیر آموزش و پرورش خواستند در مورد این نماینده تام الاختیار اقدامات لازم بعمل آید و از سوی دیگر برای سرپرستی اداره آموزش و پرورش لرستان یک فرد بومی در نظر گرفته شود.

(کیهان، ۶ فروردین)

# مصاحبه مطبوعاتی حجت الاسلام صادق خلخالی در دم: دعوت سادات از شاه مخلوع بمنزله دعوت از شیطان است

حجت الاسلام خلخالی درباره فرار شاه مخلوع از پامانا به مصر گفت: این کار تری بود که به مزدور خود در خاورمیانه دستور داد که از شاه مخلوع برای اقامت در مصر دعوت کند.

امریکا از حقیقت انقلاب اسلامی ایران آگاهی ندارد و به همین دلیل از همه محاسبات خود نتایج منکوب میگیرد.

وی انور سادات حاکم مصر را مزدور و خائن باسلام و قرآن و به مساله اعراب توصیف کرد و گفت: دعوت سادات از شاه مخلوع برای اقامت در مصر بمنزله پیمان جدیدی با شیطان است.

شاه مخلوع بوسیله ساواک ۷۰ هزار نفر را در ایران کشت و هزاران تن دیگر را آواره کرد.

همانطور که ملت ایتالیا خواهان پس گرفتن کولنا جیروزی که همراه تنی چند از اعضای کابینه سابق ایتالیا در یک پرونده رشوه خواری متهم است، ملت ایران هم خواهان استرداد شاه مخلوع است که مسؤل قتل هزاران بیگناه و آواره شدن هزاران نفر دیگر است.

وی گفت: امریکا همان نقشی را بازی میکند که فاشیسم به سرکردگی موسولینی در کاتانور در دهه های بیست و سی ایفا میکرد و امریکا به همان سرنوشته فاشیسم دچار خواهد شد.

با سلطه امریکا در بسیاری نقاط جهان مخالفت میشود و نه تنها سیاهان بلکه بسیاری از سفید پوستان در اروپا و امریکا لاتین توسط امپریالیسم امریکا مورد استعمار قرار میگیرند.

حجت الاسلام خلخالی بیماری شاه مخلوع را یک بازی مفضحانه امریکا برای فرار دادن شاه مخلوع به قاهره خواند و گفت: ملت ایران بی توجه به این بازیها همچنان خواهان استرداد شاه مخلوع و محاکمه وی با اتهام جنایاتی است که مرتکب شده است.

حجت الاسلام خلخالی از مردم ایتالیا خواست چنانچه پاتریا که موسولینی شکست آورده در حق ملت ایتالیا مرتکب شد با جنایات شاه مخلوع مقایسه کنند و سپس این پرسش را مطرح کرد که چرا ملت ایتالیا محاکمه واعدام موسولینی را برای خود توجیه میکند و برای ملت ایران همان انگیزه ها را برای استرداد و محاکمه شاه مخلوع نمی یابد.

حجت الاسلام خلخالی این عقیده کرد که چرا ملت ایتالیا موضع حلیت ایران را در درگ میکند و این تنها امریکا است که درگ نمیکند و نمی خواهد بفهمد.

وی سپس درباره واکنش ملت ایران نسبت به رژیم حاکم در مصر گفت:

ملت مصر هم به مزدور شماره یک امریکا در خاورمیانه ضربه خواهد زد و من امیدوارم که ملت مسلمان مصر مثل ملت ایران نسبت به شاه مخلوع با پارتاب کردن سادات در برابران تاریخ خشم خود را نسبت به این اقدام سادات نشان دهند.

(کیهان ۶ فروردین)

# یکی از کاندیدها در بندر لنگه قانون انتخابات را نقض کرد

عدهای از اهالی بستک، طی نامه ای به رئیس جمهوری به کاندیداتوری یکی از کاندیداهای مجلس شورای ملی در این شهر که مشاور وزارت کشور است، اعتراض کردند.

در نامه اهالی بستک در اعتراض به این کاندید آمده است:

فرد ناشناخته ای در تاریخ ۱۹ اسفند ماه، وارد بندر لنگه شد و به تبلیغات انتخاباتی زد. این شخص که ناشی عبدالرضا نظری زاده کرمانی است، علاوه بر اینکه هیچک از شروط کاندید شدن را دارا نبود، برخلاف قانون انتخابات مجلس از امکانات ساختمانی و وسایل دولتی استفاده کرده است.

آنها در نامه اشان متذکر شده اند:

مگر نه اینکه نماینده مردم باید از میان مردم باشد؟ یا آنها زندگی کرده باشد؟ در آنها را بداند؟ آنها را بشناسد؟ پس چگونه این فرد که متولد کرمان و ساکن تهران بوده کاندیدای بندر لنگه شده است؟ این شخص علاوه بر این که دست به نقض قانون انتخابات زده، به این ترتیب که با یک اتومبیل آژیر دار دولتی، با یک پاسدار و یک افسر مسلح (تهادها و ارگانهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، کمیته های انقلاب، جهاد سازندگی و غیره) شرکت در تبلیغات انتخاباتی را ندارند) وارد بستک شده بود.

در پایان نامه آمده است:

جای بسی تأسف است که نامبرده بست مشاور در وزارت کشور را داراست و لیست بیست نفری به اصلاح مستعین محلی تأیید کننده گان آقای کرمانی در بندر لنگه غالباً از کسانی هستند که ضد انقلابی بودندشان در یک سال اخیر بعد از انقلاب بر همه معلوم است.

آنها از رئیس جمهور تقاضا کرده اند که این امر را تصادف و اتفاق نپندارند و هر چه زودتر جلوی این اعمال خلاف قانون را بگیرند که کمترین آن باعث بدبینی و وسوسه در بین مردم می شود.

# امام خمینی...

بیرهیزند، زیرا مسامحه در این زمینه عطا بسود ضد انقلاب است.

تاکید امام بر بیایم خویش بر کسبیها و کوفتیها و بسط انگاری های دولت و مسئولین بیایم یکی از علل عمده وجود ناآرامی ها، ناامنیها و تشنج هائی است که در طول تاریخ ایران اخیر زیانهای جدی به انقلاب ایران وارد ساخته است و طبیعی است که اگر با جدیت و فوریت به آنها برخورد نشود، در سال آینده نیز از تأمین امنیت نمیتواند سخن در میان باشد.

وجود هزارها ساواکی و عناصر ضد انقلاب برای ایجاد درگیری و تشنج، بر زمینه ناراضی توده های مردم بوده است. هزارها مزدور ساواک که از چنگ قانون و دادگاههای انقلاب گریخته اند، تمامی تلاش خود را بکار بسته اند و ناآرامی می افزایند و امنیت را مختل می کنند تا نفوذ در ارگانهای حکومتی، ادارات، ارتش، شهرهای، ژاندارمری، سپاه پاسداران و کتیبه ها، در امر پیشبرد انقلاب اختلال کنند، ناراضی برانگیزند و بدبینی بیافرینند.

تلاش نیروهای لیبرال در دستگاه دولت برای ممانعت از کارزار گاههای انقلاب، تصفیه ادارات و دیگر ارگانهای کشوری و لشکری و نیز جلوگیری از اتخاذ تدابیر قاطع بسود زحمتکشان و علیه غارتگران، زمینه مناسبی برای ایجاد تحریکات فرست که تا بحال از آن بهره کافی برده اند.

در چالشی که برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب، رعایت قانون، حفظ متانت و برداری، عدم استفاده از وسائل تضعیف کننده دولت چون اعتصاب، تحصن، راهپیمایی، کم کاری و نیز خودداری از تصفیه خودسرانه اموال و زمینها و ساکن، ضرورت است و کلیه نیروهای وفادار به انقلاب، از جمله حزب توده ایران با راهپیمایی بر این امر تأکید کرده اند و زحمتکشان، یعنی کسانی که از ویرانیهای ناشی از ۵۰ سال سلطه رژیم دست نشانده پهلوی، بیش از حد زیان دیده و گرسنگی رنجیده اند، به طرح خواست های خود را در سندیکها و اتحادیهها انجمان نبخشند، نمی توانند در تعیین سرنوشته خود و مهند خود نقش مؤثر ایفا کنند. شیوه تدوین قانون کار و آئین نامه ها، دمووردی است که به بازترین وجه مضار عدم تشکیل صنفی کارگران را نشان میدهد. کارگران آگاه است که هر چه زودتر به تشکیل صنفی طبقه کارگر متحقق بشوند، تا کارگران، این طبقه تا به آخر انقلاب، بتوانند نقش مهم و شایسته خود را در آنگاه به نیروی متحد خود ایفا کنند.

به مطالب دیگری که آقای وزیر کار و امور اجتماعی در این مصاحبه اختصاصی بیان داشته اند در شماره های آینده، «نامه مردم» خواهیم پرداخت.

# شرکت کارگران...

بقیه از صفحه ۱

این درست بمعنای عدم مشارکت کارگران است، زیرا آن چند کارگر هم در شرکت متعصبان خود هستند، زیرا خود منتصبان از نمایندگان کارگران در شرکت کارگران هستند، نظریاتی را بیان کردند که نه در هماهنگی با هم، نه در هماهنگی با قانون اساسی و نه در هماهنگی با مرحله انقلاب ایران و خواسته های این مرحله بود.

نشستند و گفتند و برخاستند بی آنکه بتوانند در تدوین آئین نامه شوراها ذره ای مؤثر افتند، آئین نامه شوراها را مسئولان وزارت کار بر اساس مواضع سیاسی خود و طرز تلقی خویش از شوراها نوشتند و به شورای انقلاب تسلیم کردند، تا عکس العمل شورای انقلاب چه باشد.

جریان تدوین قانون جدید کار و آئین نامه شوراها، هشدهای جدی به طبقه کارگر است. تا زمانی که طبقه کارگر تشکیل صنفی خود را در سندیکها و اتحادیهها انجمان نبخشند، نمی تواند در تعیین سرنوشته خود و مهند خود نقش مؤثر ایفا کند. شیوه تدوین قانون کار و آئین نامه ها، دمووردی است که به بازترین وجه مضار عدم تشکیل صنفی کارگران را نشان میدهد. کارگران آگاه است که هر چه زودتر به تشکیل صنفی طبقه کارگر متحقق بشوند، تا کارگران، این طبقه تا به آخر انقلاب، بتوانند نقش مهم و شایسته خود را در آنگاه به نیروی متحد خود ایفا کنند.

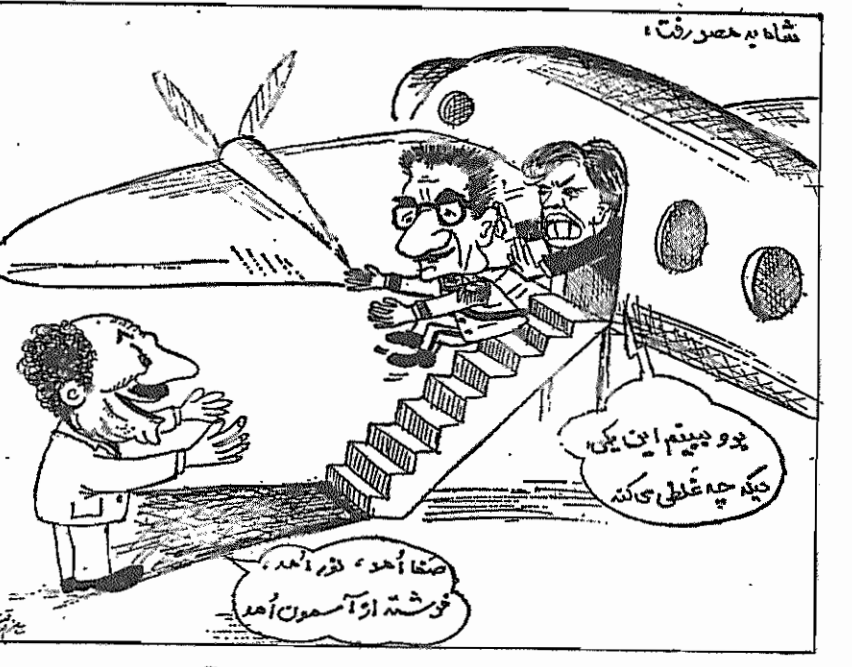
به مطالب دیگری که آقای وزیر کار و امور اجتماعی در این مصاحبه اختصاصی بیان داشته اند در شماره های آینده، «نامه مردم» خواهیم پرداخت.

مشاهه به حضور رفت

دو پیغمبر این یکی، یک چه غلطی کنی

صفا خودم، مژده آمد، فرشته از آسمون آمد

(آزادگان، فروردین)



حجت الاسلام دعایی: عراق می کوشد پایگاه امپریالیزم آمریکا را در منطقه تقویت کند

حجت الاسلام دعایی: داشت تا با کمک به رژیم شاه مخلوع از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند. وی افزود: بدلیل توده ایوه شیعیان در عراق که با رژیم بعثی آن کشور مخالف هستند عراق از گسترش انقلاب اسلامی ایران وحشت دارد و می کوشد تا با توطئه در نوار مرزی دولت ایران را با مشکلاتی مواجه کند.

رژیم بعثی عراق اکنون در منطقه نقضی مانند نقش اسرائیل را ایفا می کند و سعی دارد با بوجود آوردن (سند حذاب) های متعدد در مرز ایران-عراق اختصافی قاجار آورد.

رژیم بعثی عراق پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در عراق که به تهران بازگشته است دیشب در یک گفت و گووی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام کرد که رژیم بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران دست به توطئه می زند.

رژیم بعثی عراق پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در عراق که به تهران بازگشته است دیشب در یک گفت و گووی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام کرد که رژیم بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران دست به توطئه می زند.

رژیم بعثی عراق پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در عراق که به تهران بازگشته است دیشب در یک گفت و گووی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام کرد که رژیم بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران دست به توطئه می زند.



# تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

## اخبار کارگری

### هیات کارگران و کارمندان از نظر دریافت وام نباید هیچگونه تبعیضی باشد

با توجه به این مسئله که سرمایه بانک رفاه کارگران از محل بیمه کارگران تأمین میشود و هدف اصلی آن تهیه مسکن برای کارگران است، انتظار می‌رود هر چه زودتر به مسئله مسکن کارگران و تبعیض بین آنها با کارمندان از نظر دریافت وام رسیدگی شود. در رژیم سابق با پرداخت وام‌های کلان از طریق بانک رفاه کارگران به بعضی از افراد مانند هژبر یزدانی و بستگان آقای قاسم معینی و امثالهم، ۹۰ درصد کارگران موفق نمیشدند حتی از این وام سرمایه‌داران استفاده کنند.

کارگران بعد از انقلاب انتظار دارند که مقامات مسئول هر چه سریعتر و با قاطعیت تبعیض از نظر دریافت وام بین کارگران و کارمندان را برطرف کنند و به این مسئله توجه نمایند که با صد هزار تومان وامی که از طریق بانک رفاه پرداخت می‌شود، حتی نمی‌توان یک دستگاه ساختمان کوچک خریداری کرد.

### کارگران کارخانه پویان گاز خواستار سود ویژه سالیانه و بازگشتن کارگران اخراجی به سرکار خود هستند

کارخانه پویان گاز، سازنده اجاق‌گازهای مبله است و در خیابان ورامین قرار دارد. در این کارخانه ۱۵ کارگر ایرانی و ۳۵ کارگر پاکستانی کار می‌کنند. کارگران این کارخانه در وضع بسیار بدی بسر می‌برند و برخی از کارگران حقوقی کمتر از ۵ تومان در روز دریافت میکنند. سال گذشته کارفرمای کارخانه از دادن سود ویژه و سالیانه کارگران خودداری کرد.

کارگران ایرانی نسبت به این اقدام کارفرما اعتراض کردند و در پی آن کارفرما ۵ نفر از آنها را اخراج کرد و بقیه کارگران را تهدید کرد که اگر بخواهند به شکایت و اعتراض خود ادامه دهند، به سر نوشت آنان دچار خواهند شد. اما کارگران تسلیم تهدیدهای کارفرما نشده و طی شکایتی که به وزارت کار فرستاده‌اند خواستار بازگشتن ۵ کارگر اخراجی کارخانه و پرداخت سود ویژه سالیانه کارخانه شده‌اند.

### کارگران شرکت «طاق بتونی» آبادان با اتحاد خود به خواست‌هایشان رسیدند

شرکت «طاق بتونی» آبادان یک شرکت خصوصی است و از حدود ۸ سال پیش قراردادی برای ساختن ۳۰۰ دستگاه منزل مسکونی با آموزش و پرورش دارد. ۱۰۰ کارگر شیفته و ساده‌دین شرکت کار می‌کنند. اکثر کارگران فنی غیر بومی و کارگران ساده بومی هستند. حقوق کارگران ساده حداقل حقوق تعیین شده از طرف اداره کار است.

این کارگران تاکنون چند بار دست به تشکیل شورا و سندیکا زده‌اند، که هر بار با مخالفت کارفرما و اخراج نمایندگان انتخاباتیشان توسط کارفرما روبرو شده‌اند.

پیش از نوروز کارگران از شرکت تقاضای عیدی و پاداش کردند. که با مخالفت کارفرما روبرو شدند. کارگران از آنجا که مخالف هرگونه اعتصاب و کم‌کاری در این شرایط هستند، با رویکردی مسئله را با کارفرما در میان گذاشتند. اما کارفرما در جواب آنها راه‌پس‌اندازی کرد. کارگران از تاریخ نوروز تا بیست و دوم در محل کار اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به تقاضاهایشان شدند.

کارفرما که با اتحاد کارگران و سرسختی آنان روبرو شده بود و حمله‌هایش نیز بی‌ثمر بود، با کارگران به مذاکره نشست و قرار شد بر این شد که ۵ روز عیدی، که حداقل پاداش است، به کارگران پرداخت شود.

### اجتماع کارگران پیمانکار انبار نفت در ماه شهر

گروه کثیری از کارگران موقت (انبار نفت صادرات پخش) ماه شهر برای بدست آوردن حقوق خود در دروازه خروجی انبار نفت اجتماع کردند.

این کارگران طی مشورت‌های قبلی، به همراه نمایندگان خود در این محل حاضر شدند و از پیمانکار و رئیس انبار شرکت نیز درخواست کردند تا در محل حاضر شوند و به خواست‌های کارگران رسیدگی کنند.

پس از حضور پیمانکار، نماینده کارگران خواهش‌های آنها را شرح زیرین قرائت کرد:

- ۱- رعایت قانون کار،
- ۲- تعیین استراحت قانونی برای کارگران،
- ۳- در نظر گرفتن اضافه کار برای کار ایام تعطیل،
- ۴- در ازاء ۸ ساعت کار اضافه ۰.۳۵٪ درصد اضافه مقرر شود،
- ۵- حق اولاد،
- ۶- حق مسکن،
- ۷- فوق‌العاده غذا،
- ۸- پاداش، عسیدی و تهیه وسائل ایمنی،
- ۹- تضمین و رعایت مواد فوق، در پایان، با مذاکره‌ای که میان کارگران و پیمانکار صورت گرفت، پیمانکار قول داد تا چند روز دیگر ضمن تماس با رئیس شرکت نفت آبادان، نتیجه کلی را به کارگران اعلام کند.

کارگران پیش از این طی نامه‌هایی خواست‌های خود را با رئیس اداره کار ماه شهر و رئیس ناحیه شرکت نفت آبادان-امور پخش در میان گذاشته بودند.

# کمک به اجرای تمام و کمال و قاطع قانون اصلاحات ارضی و وظیفه کمیته‌های دهقانان بی زمین و کم زمین است

اجرای قانون اصلاحات ارضی هدف این کمیته‌هاست. کمک به هیئت‌مفت‌نفری، کمک به مشاوران دولتی و کم‌کم به نهادهای دولتی و انقلابی، که در این کار سهم خواهند بود، و وظیفه این کمیته‌های دهقانان بی زمین و کم زمین است. از این طریق اجرای قانون بانظم و با قاطعیت بدون خودسری و هر چه و مرجع و با پیگیری و همه‌جانبه انجام میشود. همین جهت گرفتن تماس و برقراری همکاری با پیمانکاران دولتی، محفل، پاسبان، پاسداران محفل، با محافل روحانی متزقی و هوادار دهقانان و بسا مسئولان دولتی، طرفدار قانون و طرفدار انقلاب، وسیله مهم کار این کمیته‌ها خواهد بود. هر کس طرفدار اجرای قاطع و منظم قانون باشد و از آشفتگی

جامعه ما را در پیاید و جلوی عمل گروه‌های مخالف قانون اصلاحات ارضی را بگیرد و به تصمیم شورای انقلاب و مسئولان انقلابی وزارت کشاورزی و نهادهای انقلابی دست‌اندرکار برای اجرای دقیق و قاطع و همه‌جانبه آن کمک کند. در اینجا نه فقط همسازانمانی متزقی و محافل انقلابی و وظیفه‌مقوله با بدسایس مخالفان اصلاحات ارضی را دارند و باید انواع سفسطه‌ها و بازیهای حرفی و شرعی آنها را فاش کنند، بلکه خود دهقانان باید به کمک قانون مصوبه پشتبانند تا حق خود را بگیرند و زمین را به‌تبی-ستان روستاها برسانند و شر-زمینداران بزرگ را از سرخورد کوتاه کنند.

در اجرای قانون، مستقیما دهقانان بی زمین و کم زمین ذینفع هستند که موضوع خود قانون‌اند و مستقیم بر سر دادن زمینها بخود آنها است. آنها بی که کار میکنند و زحمت میکنند، ولی تساهل ارباب و بزرگ مالک سود را می‌برد و زندگی روستا را به فلاکت و تنهایی میکشاند.

در میان تصویب قانون اصلاحات ارضی، که چهارشنبه شب ۸ اسفند ماه در شورای انقلاب صورت گرفت و روز پانزده اسفند توسط استاد رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی و آقای بنی-صدر رئیس جمهور و اعلام شد، گروه‌های مخالف سخت به جنب و جوش افتادند.

### مالکان بزرگ و مخالفان اصلاحات ارضی متنفذ، فعال و خطرناک‌اند

مخالفان عبارتند از اولای خود مالکان بزرگ، که منافع طبقاتی غارتگرانه خویش را در خطر می‌بینند، ثانیاً اعیان و کارگران و زمینداران آنها از نظر مادی و فکری، چه در محل و چه در شهرها، که ریزه‌خوار سفره چاول آنها و دزدان ثمره زحمت دهقانان هستند. ثالثاً سرمایه‌داران وابسته که حس میکنند همپاکی و یاری‌زدگی خود را دارند از دست میدهند. رابعاً دستجات کثیف انقلابی، وابستگان به سوارک و بقایای عوامل شاه‌مخلوع، که سخت فعال هستند، و بالاخره همه نوکران امپریالیسم، که یک پایگاه مهم نفوذ و سلطه ارباب را از دست رفته می‌بینند.

این گروه‌ها و محافل گاه بصورت شورای کشاورزی عمل میکنند، گاه لباس روحانی میپوشند، گاه وکیل‌دعوی میشوند، گاه کارمند عسارتی و زارتخانه هستند و گاه به هیئت «لیبرال» علاقه‌مند به «امنیت مالکیت»

و گردانندگان دستگاه اداری آدمهای خود را دارند. از تبحر به سطره جویی و آشنایی با طرق ارباب و تزیین پر خورده‌اند، به برخی سنت‌ها و عسادات منسوخ و تبه‌تبه‌های کور نیز متکی هستند. فعالیت تبه‌آلود این گروه‌ها بود که موجب شده قانون اصلاحات ارضی توسط برخی معافان زیر علامت سؤال قرار گیرد و از تعویق آن صحبت میان آید و در اصل تصویب آن تردید شود.

تنبه‌ها عمل این گروه‌ها مستقیماً بر زبان انقلاب ماست و آنرا از یکی از مهمترین هدفهای خلقی خود دور میکنند. تضمین و نارضایتی می‌برانند، موجب خشم و هیولتها دهقان میشود و باور آنها را به انقلاب وره‌ان مستقیمند. پس تردید و تمسویق در قانون اصلاحات ارضی نه تنها علیه مردم و علیه دهقانان زحمتکش، بلکه علیه خود انقلاب متوجه است. هر فرد انقلابی و متزقی باید اهمیت و حساسیت این مسئله بزرگ

### نیروی متحد میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین میتواند کار اصلاحات ارضی بنیادی را از پیش ببرد

این وظیفه تاریخی مردم ریشه کن کردن بساط بزرگ مالکی و انجام اصلاحات بنیادی ارضی است. این دوران زمین از زمان نیز از آغاز تا پایان اصلاحات ارضی بنیادی را در بر میگیرد و با پرچیده شدن کامل بساط بزرگ مالکی و بی زمین رسیدن دهقانان بی زمین و کم زمین (که در آن موقع دیگر بی زمین و کم زمین نخواهند بود) خاتمه می‌یابد.

و زمین‌بندی بهمین جهت، باید به ایجاد و فعالیت این کمیته‌ها یاری برسانند. باید بزرگ مالکی را ریشه کن کرد، تا همواره پادشاهی سرزمین‌داری و وابسته و عقال امپریالیسم و رژیم سابق، انقلاب را ضایع‌تر کند. دهقانان را باید حقدار و زمین‌دار به دهقانان رساند، تا ملیونها روستایی زحمتکش از ثمرات انقلاب بهره‌مند شوند، با تمام وجود خود مدافع و حامی آن گردند و اقتصاد کشاورزی ساردا به سوی رشد و شکوفایی ببرند.

### این وظیفه تاریخی مردم ریشه کن کردن بساط بزرگ مالکی و انجام اصلاحات بنیادی ارضی است

دهقانان بی زمین و کم زمین در صورتی میتوانند موثرتر واقع شوند و در برابر نیروی مالکان بزرگ و زمینداران بزرگ را از سرخورد کوتاه کنند. در اجرای قانون، مستقیما دهقانان بی زمین و کم زمین ذینفع هستند که موضوع خود قانون‌اند و مستقیم بر سر دادن زمینها بخود آنها است. آنها بی که کار میکنند و زحمت میکنند، ولی تساهل ارباب و بزرگ مالک سود را می‌برد و زندگی روستا را به فلاکت و تنهایی میکشاند.

### رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله تریبون شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبهم انقلابی است.

### حمله ضد انقلاب به کیوسک حزب توده ایران در آبادان

عوامل ضد انقلاب در آخرین روزهای سال قبل بساط دیگری به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در آبادان حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. در حمله عوامل ضد انقلاب به این کیوسک کلبه‌کتاب‌ها و نشریات آن به آتش کشیده شد و



### اخبار دهقانی

### مالک کشت نمی‌کند، زمین‌ها را به دهقانان بدهید

۶۵ نفر از خوش‌نشینان کره پیش‌عمله، که در تنگه‌ستی و فقر بسر می‌برند، از دادگاه انقلاب خواستار شدند که ۵۰ هکتار از زمینهای بلااستفاده مالک ده را در اختیار آنان قرار دهد. تا بدین ترتیب روستائیان با کار و کوشش خود اندکی سفره بر برقی خواهند خورد و برنمایند و از سوی دیگر نیازهای تولیدی کشور را تأمین کنند. مالک ده زمینها و خوش‌نشینان را به مال خود کرده و بدین ترتیب قسمتی از منبع درآمد ملی را که اکتان است.

### زمین‌ها بلااستفاده و دهقانان بدون زمین مانده‌اند

۹۲ نفر از دهقانان ده قوام‌آباد کمین، واقع در استان فارس، که تعداد ۳۰ نفر آنها خوش‌نشین هستند، بعد از یکسال دولتگی از دادگاه انقلاب خواستار واگذاری اراضی به روستائیان هستند. آنها بحق میگویند در زمانیکه در روستای قوام‌آباد هکتارهای زمین بلااستفاده مانده است، چرا باید دهقانان بدون در اختیار داشتن وسائل تولید در روستای خود سرگردان و عاطل بزندگی ادامه دهند؟

### مالک مانع ادامه کشت و کار میشود

دومین بار است که مالک روستای تل‌لیضا، واقع در استان فارس، کشاورزان را، که با اجازه قانونی حاکم شرع زمین‌های بلااستفاده مالک را بزرگ کشت برده بودند، به دادگاه می‌کشاند. روستائیان میگویند: ما برای کشتن بند و ایستگی به آمریکای جهانخواه زمین‌ها را کشت کرده‌ایم و مالک برای حفظ این وابستگی مانع ادامه کار و تولید مایشود. مالک میخواهد نارضایتی ایجاد کند و از این طریق به انقلاب لطمه برساند.

### خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

بلژیک  
51, Av. de Broqueville  
1200 Bruxelles

انگلستان  
P.O. Box 141  
London, E 70 PE

فرانسه  
Rigal Albert  
BP 75160  
75001 Paris  
France

سوئد  
Box 27730  
27230 Stockholm

ایتالیا  
Pci, Shams  
Via G. Vincon, 46  
Ostia (Roma)  
Tel. 6614022 (TUDEH)

## تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است



# شاید حیرت آور باشد، اما واقعیت است که اکثر چپ‌روها و چپ‌نماها خرده‌بورژوازی را از اساس غلط درک میکنند. از این جمله‌اند چریک‌های فدائی، گروه «راه کارگر» و عناصری چون باقر مؤمنی...

# چپ‌روها و مسائل

در پی پیروزی انقلاب، در میان نیروهای چپ‌رو بحث داغ تازه‌ای درگرفته است: بحث در پیروزی خرده‌بورژوازی و معنای سیاسی کبره‌اش. این بحث ادامه سنتی بحث‌های قبلی این گروه‌ها نیست، بلکه از بسیاری جهات تازه و مندرج‌آوردی است.

بحث درباره خرده‌بورژوازی و وجود تاریخی، سیاسی و طبقاتی آن، در راستای ضرورتها و عطش جامعه و در ظرفیت یک بحث و بررسی اصولی، مانند هر کنکاش و پرس و جوی سازنده می‌تواند حاصلخیز و هدایت‌کننده باشد، اما بحث و جنجال جاری پیرامون معنای خرده‌بورژوازی و مخدوش کردن یکسویه این نیروی اجتماعی، اغلب از چنین ضرورت و اقتضای پیروی نمی‌کند. این‌ها هو و جدلی است در پاسخ به حزب توده ایران، انکساف می‌بویی است از مضمون استراتژیک حزب ما، که خواستار اتحاد نیروهای انقلابی به‌مثابه مطمئن‌ترین وثیقه آزمانهای انقلاب است. از آنجا که سنگ پایه این اتحاد را کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهند، دشمن می‌کوشد به هزارویک شیوه و دوزک‌کلک‌جویی این اتحاد را بگریزد. به آن آسیب‌جدی وارد آورد. وجه تئوریک این تلاش و توطئه، جنجال بی‌سابقه در باره معنای و خطرناک‌تر خرده‌بورژوازی است. در پی پرده این جنجال، بورژوازی و بیش از همه بورژوازی وابسته و مرشدان او نشسته‌اند. آنها بر آنند که اتحاد نیروهای انقلابی را در برهه و سوء ظن، دچار شکست کنند و پرولتاریا را تنها بگذارند و توده‌ها را بسوی خود بکشند.

## خرده‌بورژوازی ایران و اندامهای آن

خرده‌بورژوازی در مجموعه اقشار آن به دو بخش عمده تقسیم می‌شود، روستایی و شهری.

## ۱- خرده‌بورژوازی روستا

خرده‌بورژوازی ایران در اکثر بخش‌ها خود از دهقانان تشکیل می‌شود. اصلاحات نیم بند ارضی، که در شرایط حد شد تضادهای ده و فشار وطنیان رویتزاید تودع‌های دهقانی، با الهام از تجربه جهانی امپریالیسم، بدست شاه مخلوع انجام گرفت، در فشرده‌ی دهقانان تغییرات جدی وارد آورد. محتوای این قشر بندی عبارت بود از بسط بورژوازی ده و افزایش تعداد زمین‌داران کوچک و متوسط و کارگران کشاورزی. این تحول از بالا که در پی گسترش بازار داخلی بود، زمینهای وسیعی را در مالکیت زمینداران بزرگ باقی گذاشت، اما علیرغم اینکه قوچهای علمی از دهقانان صاحب نسق، زمین خود را از دست دادند، دو میلیون و نیم دهقان از طریق پرداخت اقساط سنگین، صاحب تمام یا بخشی از نسق خود شدند. بیش از یک میلیون خانوار دهقان بدون نسق نیز از دریافت زمین محروم ماندند و زمینداران اکثریت قاطع دهقانان بی‌زمین و کم حال، لایه‌های جدیدی خرده‌بورژوازی روستایی ایران را پدید آوردند.

حل بنیادی مسأله ارضی بود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، یعنی زحمتکش‌ترین اندام خرده‌بورژوازی روستا، رسالتی است که بر عهده انقلاب و در جهت تعمیق و تسفق وظایف مبرم و اصلی آنست.

از هنگام اصلاحات ارضی غیر دمکراتیک تا امروز، روستا مهم‌ترین مرکز قتل خرده‌بورژوازی ایران است.

## ۲- خرده‌بورژوازی شهری

کسب و پیشه‌وران اغلب سازمان‌دهندگان نظامات پیش از سرمایه‌داری‌اند و به همین سبب عنوان خرده‌بورژوازی سنتی به آنان اطلاق می‌شود. در ایران پیش از انقلاب، خرده‌بورژوازی شهری گرچه در عرصه تولید و توزیع کالای و خدمات نقش مهمی داشت، اما گسترش سرمایه‌داری بطور اعم و سرمایه‌داری بزرگ و وابسته بطور اخص، میدان فعالیت آنرا در دستگیر می‌کرد و گروه‌های روزافزونی از آنرا بسوی ورشکستگی می‌راند. عناصر خرده‌بورژوازی سنتی، که در تهاجم بی‌امان سرمایه داخلی و خارجی و در جنبه دستکاه اداری و بوروکراتیک نظام آرمی‌های پایمال می‌کشند، ناگزیر به در قلمرو به صفوف کارگران و قوچهای نیروی کار خود می‌شوند. این تقدیر، اکثریت کسب و پیشه‌وران را به مبارزات دمکراتیک و ستیز و پرخاش با امپریالیسم و مظاهر آن سوق می‌داد.

در کنار خرده‌بورژوازی سنتی، نوع جدیدی از خرده‌بورژوازی پدیدار شده، که زائیده نیاز بورژوازی‌های نو به گسترش و رونق زائده آن بود. کارگاهها و تعمیرگاههای کوچک سازنده وسایل جنبی ماشینی، یا تعمیر و نقاشی اتومبیل و سپر سازی و تعمیر تلویزیون و یخچال و رادیو و وسایل برقی و غیره از این دنیای خرده‌بورژوازی در رابطه تنگاتنگ با تولید بورژوازی قرار داشت و در یک مقطع تاریخی توسط آن رشد بسیار یافت.

در بعضی از تحلیلهای، اقتضای از کارمندان نیز جزء خرده‌بورژوازی شهری، یا به اصطلاح خود آنها «خرده‌بورژوازی جدید» آورده می‌شوند، که از دیدگاه علمی البته دقیق نیست. بخشی از کارمندان، روشنفکران، روحانیون، افراد ادنی، همراه با بورژوازی کوچک و لایه‌هایی از کارگران دهقانان «قشرهای متوسط» خوانده می‌شوند. «قشرهای متوسط» خرده‌بورژوازی را هم در بر می‌گیرد، اما آنطور که بعضی‌ها طرح می‌کنند، هرگز تنها به معنی خرده‌بورژوازی نیست. «این قشرها با آنکه در تکامل آبی جامعه سرمایه‌داری از هم فاصله می‌گیرند، ولی در مراحل آغازین تکامل سرمایه‌داری، از جهت شیوه زندگی و طرز فکر و شیوه برخورد بمسائل با هم همانندی دارند.» «نیروی عمده محرک انقلاب ایران همین قشرهای متوسط شهر و ده بودند، که نماینده سیاسی آنها «دمکراسی انقلابی» است.» (احسان طبری، برخی مسائل نظری مربوط به انقلاب ایران.)

## پرولتاریا، متحدانش و تجربه اکتبر

آموزش پایه‌ای مارکسیسم، خرده‌بورژوازی را متحد طبیعی پرولتاریا معرفی می‌کند. خرده‌بورژوازی عمدتاً از دهقانان تشکیل می‌شود، اما در حرکت تاریخی پرولتاریا، قشرهای مختلف دهقانی، در ارتباط با او نقش کلیدی ندارند. دهقانان خرده‌پایه زمین و کم‌زمین که نیمه پرولتر هم خوانده می‌شوند، نزدیکترین و استوارترین متحد عینی پرولتاریا و دهقانان میانه‌حال، بسورت با قوه متحد و سپاه ذخیره او هستند.

چگونگی مناسبات پرولتاریا با اقشار مختلف دهقانی در متن تجربه اکتبر، با کمترین درشت‌ترین خطوط نقش بسته است. می‌توان سخن را با این تجربه غنی غنی کرد.

در انقلاب اکتبر، بلشویکها با پیروزی خود را در اتحاد هر چه مستحکم‌تر با توده‌های وسیع دهقانان خرده‌پایه و تهیدست می‌جستند. محور این اتحاد عمدتاً مبارزه با بورژوازی دهقانان، یعنی سرمایه‌داران روستا بود. در این مرحله، تلاش بلشویکها مخلوط به آن بود که دهقانان میانه‌حال و مرود را در مبارزه طبقاتی درگیر کنند. این تلاش زمینه‌ساز عینی داشت، زیرا اجرای برنامه انقلابی بلشویکها و متحدان پرولتاریا، یعنی دهقانان بی‌زمین و کم زمین، موفقیت و مالکیت دهقانان میانه‌حال را به هیچوجه تهدید نمی‌کرد. پس از این مرحله، که با استقرار حاکمیت سیاسی پرولتاریا و محورترین تودع‌های خرده‌بورژوازی در ده سامان یافت، طبقه کارگر، دست اتحاد فعال بسوی دهقانان میانه‌حال دراز کرد. لنین، که امر پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی را در استحکام عمیق پیوند و اتحاد پرولتاریا و دهقانان تهیدست با دهقانان میانه‌حال منهدم، در کنگره هشتم حزب اعلام کرد:

## سیاست کاملاً صحیح حکومت شوروی در روستا، اتحاد سوازشی پرولتاریای زحمتکش را با دهقانان میانه‌حال تامین می‌کند. سیاست دولت کارگران و دهقانان و حزب کمونیست باید در آینده هم با همین روح سازش پرولتاریا و تهیدست‌ترین دهقانان، با دهقانان میانه‌حال، ادامه یابد.

استراتژی جلب دهقانان تهیدست به انقلاب سوسیالیستی و نقش شرکت دادن تمامی زحمتکشان خرده‌بورژوازی روستا در ساختمان سوسیالیسم، که در تاریخ تمت عنوان «برنامه کتور پراسون» لنین ثبت شده، در برنامه واقعی مبارزه طبقاتی راه‌بری دهقانان گنود.

لنین در نشان دادن اهمیت حیاتی اتحاد کارگران با توده‌های وسیع دهقانان، تاکید کرد که:

## تمام نیروی عمده و تکیه‌گاه حکومت شوروی در این اتحاد مستتر است. این اتحاد ضامن آنست که امر دگرگونیهای سوسیالیستی، امر فائق آمدن سرمایه، امر از میان برداشتن شروع استعماری را ما به پیروزی نهایی خواهیم رساند.

(مجموعه آثار، جلد ۳۸، ص ۲۳۷)

باین ترتیب، لنین در چهره زحمتکشان خرده‌بورژوازی، پیش از آنکه حامیان استعمار و سرمایه را ببیند، ظرفیت سرمایه ستیزی و پیکار جدی برای محو هر نوع استثمار را می‌دید.

زیر رهبری پرولتاریا این ظرفیت تعمیق می‌شود. و خوی و خصالت انقلابی برجسته‌های محافظه کارانه سایه می‌کشند. به همین لحاظ است که بقول لنین:

«گرچه دهقان بمنزله فرود شده‌ها نان به بورژوازی، به تجارت آزاد، یعنی به شیوه معمولی و کهنه، به آنچه از گذشته بوده، به سرمایه‌داری تمایل دارد، اما در عین حال «دهقان بعنوان یک فرد زحمتکش، به سوسیالیسم تمایل است و دیکتاتوری کارگران را بردیکتاتوری بورژوازی ترجیح می‌دهد.» (مجموعه آثار، جلد ۳۷، ص ۳۸۶)

که مسأله اینجا است که اتحاد استراتژیک پرولتاریا با دهقانان، گامی از نیمه و محتمل عینی دارد. این بدان معنی است که دهقانان زحمتکش تنها در پیوند و زیر رهبری طبقه کارگر، در مبارزه مشترک علیه دنیای کهن می‌توانند از استثمار و ستم سرمایه‌داری بایند و تضادهای اجتماعی و امر مبارزه طبقاتی دیده را سرانجام دهند.

لنین، ضمن آنکه مجموعه زحمتکشان خرده‌بورژوازی را یاوران پرولتاریا و سپاه ذخیره او به حساب می‌آورد، اقشار مختلف خرده‌بورژوازی را به یک چشم نمی‌بیند. او امر پیوند مساعی با چریک‌های خرده‌بورژوازی را در شرایط مشخص اجتماعی مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

در آوریل ۱۹۱۷، خطاب به چپ‌روهای که هم‌راهِ تاریخی پرولتاریا و خرده‌بورژوازی را در جامعه عقب افتاده‌ای چون روسیه نمی‌بینند لنین تذکر می‌داد که:

«خرده‌بورژوازی وجود دارد و نمیتوان آنرا (از انقلاب) بیرون انداخت، ولی این خرده‌بورژوازی شامل دو قسمت است: تهیدست-ترین قسمت آن با طبقه کارگر هم‌راه است.» (مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۱۸۲)

پس از انقلاب، علاوه بر دهقانان تهیدست، دهقانان میانه‌حال را نیز جزو مصالح ضروری ساختمان سوسیالیسم در دو خواستار اتحاد استوار با آنها شد. این تفاوت موضع نسبت به دهقانان میانه‌حال، در شرایط قبل از اکتبر و شرایط پس از اکتبر، یکی از یوئترین جنبه‌های دیالکتیک مارکسیستی است. لنین در توضیح این مسئله می‌گوید:

«دهقانان میانه‌حال قبل از اکتبر، موفقی که حکومت در دست بورژوازی بود، با دهقانان میانه‌حال پس از تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا، موفقی که دیگر بورژوازی سرنگون و سوسیالیسم برقرار شده است، دو چیز مختلف‌اند. یکی در این دو نوع دهقانان میانه‌حال که پدیده‌ها بدون ارتباط با اوضاع تاریخی بررسی شود و هیچگونه دورنمایی باقی نماند. این نظیر شاهد مثال آوردن زیئویف است که تمام تاریخها و دوران‌های مختلف را با هم مخلوط می‌کند.»

(مسائل لنینیسم، جلد اول، ص ۲۹۳)

اگر در فاصله بین آوریل ۱۹۱۷ تا پایان جنگ جهانی اول، موضوع پرولتاریا در مقابل دهقانان میانه‌حال چنین دگرگونی و چرخشی می‌پذیرد، باید در نظر آوریم که جوهر این چرخش دگرگونی نبود وجود دهقانان میانه‌حال، بلکه در شرایط تحول یافته اجتماعی اوست.

بین آوریل ۱۹۱۷ تا پایان جنگ جهانی اول، فاصله نیست. اما در این فاصله تقویمی کوتاه، حادثه‌های به عظمت انقلاب اکتبر وجود دارد که به عصر جهان‌شمول سرمایه‌داری خاتمه داد، ثبات و استحکام سرمایه‌داری را در مجموعه خودمختار لزل کرد و دوران نوینی را در تاریخ بشر کشود، که مشمول همه آن‌ها در سرمایه‌داری به سوسیالیسم است.

از اکتبر تاکنون، جهان تحولات عظیم و تاریخ‌ساز دیگری نیز بخود دیده است، که عدم توجه به هم‌مضمون، تأثیر روند آنها، دیگر نتایج شناخت علمی دهقانان میانه‌حال-آنطور که لنین می‌گوید- به منطقه می‌گراید، بلکه درک جهان و تحولات آن، و از آنجمله ماهیت و عملکرد خرده‌بورژوازی، به تئوری‌های و ذهن‌گرایی می‌کشد. نقطه عطف‌های از اکتبر تا امروز را، در اختصاصی‌ترین بیان، می‌توان چنین مرور کرد:

۱- سوسیالیسم، که در آغاز در یک کشور پیروز شده بود، در محاسبات همه‌جانبه اقتصادی و نظامی دریائی دشمن، خود را تثبیت کرد و با ایجاد سیستم جهانی سوسیالیستی، محاسره امپریالیستی را شکست تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی، بزرگترین حادثه تاریخی، در پی ظرفیت‌های انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است.

۲- تلاش سیستم مستعمراتی، عقبه جبهه امپریالیسم را خالی کرد.

عصر انقلاب‌های ملی و دمکراتیک، با محتوای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی آغاز گردید. این انقلاب‌ها دیگر نه در شمع و بسورت حلقه‌ای از انقلابات بورژوازی، بلکه به‌مثابه جزئی از انقلاب پرولتاریای جهانی در آمد.

۳- ورود عده‌ای از کشورهای جدید در راه رشد غیرسرمایه‌داری-که شکل‌نازماهای اژدرم ریزی و تلاشی اقتصاد جهان سرمایه‌داری است- کام مهمی در رشد و تکامل روند انقلاب جهانی محاسر است. کسب می‌تواند در دنیا رخدادهای دگرگون‌ساز می‌سازند تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی و تلاشی سیستم مستعمراتی کهن، از آن نام برد.

۴- بحران عمومی سرمایه‌داری در تکامل خود وارد مرحله جدید، مرحله سوم خود شد. ویژگی این مرحله جدید، که پیدایش آن، مانند مراحل قبل، بنسبیت جنگ جهانی نیست، بلکه در شرایطی است که مسابقه و مبارزه دو سیستم در جریان است و سوسیالیسم به عامل قاطع در تکامل بشری تبدیل شده است.

جهانی با این مشخصات، آیا با شرایط پیش از اکتبر می‌تواند یکسان باشد؛ در این جهان که از ریشه تکان می‌خورد، طبقه کارگر جهانی و مولود برومندی آن، یعنی سیستم جهانی سوسیالیستی، در مرکز تحولات عصر قرار گرفته و به عامل تعیین کننده تاریخ بدل شده، هم پیوندی سه نیروی انقلابی عصر سرمایه‌داری سوسیالیستی، جنبش پرولتاریای ممالک سرمایه‌داری و جنبش‌های

رهائی بخش ملی-دمکراتیک خروشان رونداوند انقلاب جهانی، تناسب نیروها را به زبان امپریالیسم و ارتجاع بهم زده، در مقیاس جهانی «وضع انقلابی» ایجاد شده و هم‌زمانی پرولتاریا، بنوعی خاص، در پیته جهان، روبه-قوام است، آری، در چنین جهان متفاوتی، خرده-بورژوازی و همه دمکرات‌های ملی، نباید به همان معیاریاتی ارزیابی شوند که در شرایط قبل از اکتبر می‌شدند. اگر آنطور که استالین در تفسیرش لنینی تاکید می‌کند، یکسان دیدن خرده‌بورژوازی دهقانی قبل و بعد از اکتبر «به معنای آنست که پدیده‌ها بدون ارتباط با اوضاع تاریخی بررسی شود»، اگر چه در تفاوت دهقانان میانه‌حال عصر سوسیالیسم با دهقانان میانه‌حال عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، مخالف لنینیسم و تبعیت از اسلوب متافیزیکی «زیئویف است که تمام تاریخها و دوران‌های مختلف را با هم مخلوط می‌کند، و اگر تنها با در نظر گرفتن خطوط اصلی تمایز دوران‌های مختلف (تاریخی) است که ما می‌توانیم تسکین (عشی و استراتژی) خود را بدرستی تدوین کنیم» (لنین مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۱۸۲). در آن صورت باید در نظر بگیریم که خرده‌بورژوازی عصر سرمایه‌داری و سوسیالیسم به هم خوردن متادل نیروها به نفع جبهه مشترک انقلاب وجود نوعی هم‌زمانی پرولتاریائی و وضع انقلابی در سطح جهان، ظرفیتهای پیش‌رونده و انقلابی به مراتب بیشتری یافته است. این ظرفیت‌ها در شرایط نوینی است که در تاریخ پدید آمده و بر طبق اسلوب دیالکتیک مارکسیستی، «بی‌توجه به آن نمیتوان تاکتیک و استراتژی مبارزه انقلابی را بدرستی تدوین کرد» و این همان امکانی است که نظریه «راه رشد غیرسرمایه-داری» و «سمت‌گیری سوسیالیستی» از جان‌مایه آن تراورده و به واقعیت مشهود پیوسته است.

خرده‌بورژوازی دوران ما، در کنار امکانات متنوع بسابقه‌ای که می‌تواند از آن برخوردار باشد، افق بازتری در عرصه رشد نیروهای تولیدی و هم‌راهی با این رشد، در پیش‌رو دارد. در دوران ما، برخلاف دوران سطره جهانی سرمایه، می‌توان تولید بزرگ داشت، بی‌آنکه این تولید سرمایه‌داری باشد.

خرده‌بورژوازی، حتی اگر در حاکمیت سیاسی باشد، محکوم به آن نیست که یا به پای رشد و گسترش نیروهای مولد، به سرمایه‌داری بگراید، مشروط بر آنکه به پرولتاریای جهانی که پیشاهنگ خود را در کشورهای سوسیالیستی متمرکز کرده، تکیه کند، تکیه لوزی، تخصص و تجربه پیشرفته فنی، شرط عمده و مقدماتی تکامل، امروز در انحصار سرمایه‌داری انحصاری نیست. زحمتکشان غیر پرولتر در کشورهای عقب‌نگاه داشته‌اند، اگر در مبارزه آزادیبخش خود با امپریالیسم، با پیشروان ضد امپریالیستی جهان، یعنی کشورهای سوسیالیستی پیوند ببندند، قادرند نیروهای تولیدی جامعه را به پیش ببرند، بدون آنکه به نظم سرمایه‌داری بیاویزند.

با توجه به این امکانات نوین، کوروشکتکی و بی‌آبروی روزافزون ایدئولوژی بورژوازی جهانی، زمینه‌های بازم مساعدتری برای آن فراهم می‌آورد، پرولتاریا و احزاب سازماندهای سیاسی آن، برای اتحاد عمل با تمامی اقشار زحمتکش خرده‌بورژوازی، زمینه‌های عینی و ذهنی بیشتری می‌یابند. زمینه‌هایی به مراتب قوی‌تر از آنچه در آثار مارکسیستی ادوار گذشته منمک است و بازتاب تناسب نیروهای طبقاتی در شرایط جهانی دیگر است. کما که دان به این امکانات، پرولتاریا را از وظیفه اساسی آن، که باری پدیدریغ به تمامی زحمتکشان انقلابی در روند مبارزه مشترک با امپریالیسم و پدیده‌های طبقاتی آنست، دور خواهد کرد. این دوری به معنی دانند متحد طبیعی خود به دامن شدن و تبعیت بیشتر از روی او به حساب پرولتاریاست. و این همان معیبتی است که چریک‌های فدائی خلق و هم‌سخنان آنها، دچار آن شده‌اند. اما چریکها و دوستان آنها در درک مصیبت‌بار خود از خرده‌بورژوازی نه تنها امکانات نوظهوری را، که در پرتو آن جنبه انقلابی خرده‌بورژوازی تقویت شده و به نسبت گسترش افقهای تاریخی آن، اتحادش با پرولتاریا محتمل‌تر عینی و ذهنی بیشتری یافته‌است، بلکه تا حد می‌گذارند، بلکه مفهوم ضرورت این اتحاد را حتی در مقیاس پیش از اکتبر، که کلاسیک‌های مارکسیسم آنهمه روی آن تاکید دارند، درک نمی‌کنند.

چریک‌های فدائی در برخورد با خرده-بورژوازی، دچار دو خطای عمده‌اند:

۱- آنها در مفهوم خرده‌بورژوازی، تنها اقشار خرده‌بورژوازی شهری را می‌یابند. دهقانان، بعنوان بزرگترین قشرهای خرده‌بورژوازی جامعه ما، از ارزیابی‌های آنان غایبند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود



# ام خرد ده بورژوازی

آنها مناسبات پرولتاریا یا نزدیکترین را، یعنی دهقانان و بسویزه قشر بقاتی و زحمتکشان شهری را بر پرولتاریا و بسوزواری اشتباه می‌نمایند تفاوت ماهوی بین خرده-بورژوازی قابل نیستند. آنها کسانی که مختصت دوگانه تولید یک و نویمان او میان پرولتاریا و ولتاریا ایجاد میکنند، و از سوی دیگر با ازیگسوامکان بزرگی برای کار ولتاریا ایجاد میکنند، و از سوی دیگر نیز به سیاسی واید تولوژیک نه در این عرصه را بردوش پرولتاریا می‌نمایند و به حساب می‌آورند. زحمتکش کم بها می‌دهند و از یساق تقویت این روجه، به یاری کمونیستها ووزاری انقلابی و جمهوری خواه ن دهقانان - قادر است تا سطح ای بی غیر پرولتاریا ارتقا یابد.

متنجات، جلد اول، ص ۶۳، زیرا دهقانان تنها از نظر شکل با ولتاریا صنعتی تفاوت دارد. یکی است: سرمایه، (مارکس، ص ۱۰۶)

همی فدائی، در حالیکه زیاد از خصک نه بورژوازی حرف می‌زنند، به جوهر ده نام نمی‌یابند و اشتباه سنگین تر و تسکین‌ها را، که دهقانان را در بورژوازی به حساب می‌آورند، در دهقانان و دیگر اقتدار زحمتکش را تا بصورت متحدی مشروط حتماً و بزودی، محل‌های اتحاد م خواهد شکست، می‌شمارند. آنها

که از حمایت پرولتاریا از بسوزواری بطور کلی و مجرد میشود، باید بر جنبه مشروط و بودن متمایز این دو تاکید شود. بی خرده بورژوازی و تزئیل آن بی پرولتاریا و موقتی بودن هر بی از آن، در چارچوب مراحل بزرگ انقلاب، قابل تاکید بوده ازه باید ترویج شود.

کار، شماره ۴۴، نقدی بر امون اکونومیسم و آمارشیم) جملات، از دیدگاه نظری، خطاهای است که انکس می یك از آنها در سیاسی يك نیروی چه جدی، نه به انزوا اجتماعی میکنند، بلکه جنبش خلقی زخم عمیق می‌زند. این يك بيك برسی میکنیم. نریکهای فدائی با اسرار زیاد روی حمایت پرولتاریا از خرده بورژوازی نوع حمایتی، پای می‌زنند، معنی ایستکه خرده بورژوازی نه نیروی لتاریا، بلکه نیروی ذخیره بورژوازی ای استراتژیک با آنست و بهمین دلیل پرولتاریا موقتی و گذر است و با پایان يك مرحله استراتژیک دوام آنها تسویه میکنند، که نه روی یکبار از توسعه های خرده بورژوازی با آن، بلکه روی موقتی بودن این جاده، بهر نوع که باشد، در چارچوب نراتژیک انقلاب باید تاکید کنیم و آنها را تاگزیر با ترویج نمائیم. با این اظهار نظر، آموزش سرخ در درباره اتحاد استراتژیک پرولتاریا و بورژوازی از لحاظ تاریخی، و موقتی ع اتحاد خرده بورژوازی با پرولتاریا، می‌کنند. آنها همانا نظریه اشتباهی در فک است، و تمام تاریخ ها و دورانی با هم مخلوط میکنند.

در دوران انقلابات بورژوازی، یعنی که بورژوازی بهانه يك طبقه انقلابی بحالات آن قرار داشت، دهقانان و خرده بورژوازی متحد طبیعی و بقول مارکس از پوست و گوشت بودند که بدون آنها بورژوازی با زبان (فئودال) توانائی نداشت، و با لایات ۱۸۴۸، که ناقوس زوال نقش بورژوازی را صدا در آورد، این جنبه بی هم ریخت، مارکس، با توجه به دان تاریخی جدیدی که فرا رسیده است، خرده بورژوازی و دهقانان از بورژوازی بیرون می‌آیند، زیرا دیگر نه بلکه پرولتاریا نجات بخش آنان است. بی این آندیشه را در کتاب «مبارزه فرانسه و سپس هجدهم بر م...» و تکامل داد.

سقوط سرمایه می‌تواند دهقانان بکنند، تنها يك حکومت ضد سرمایه می‌تواند به قدر دهقانان و اجتماعی او پایان دهد.

مارکس مالکیت دهقانی طلسمی است مایه با کمک آن تاکنون دهقانان برید قدرت خویش نگهداشته، بی است که سرمایه از آن برای

برائیکه بخت دهقانان علیه پرولتاریای صنعتی استفاده کرده است. اما دهقانان فرانسوی، ... ایمان به قلمبه زمین خود را از دست خواهد داد و تمام بنای دولتی مبنی بر این قلمبه زمین، فرو خواهد پاشید.

دهقانان متحد طبیعی و پیشوای خود را در پرولتاریای شهری خواهند یافت، که رسالت پرانداختن نظام سرمایه را بر عهده دارد.

چریکهای ما هنوز در جهان پیش از ۱۸۴۸ سر می‌کنند. آنها نمی‌توانند دریابند که در عصر ما، اتحاد پرولتاریا و زحمتکشان خرده بورژوا و در اسر آنها دهقانان، يك ضرورت عینی است و به خواست و مشی سیاسی سازمانها و احزاب سیاسی ربطی ندارد. وقتی استعمار دهقانان با استعمار پرولتاریا تنها از نظر شکل تفاوت دارد، یعنی محتوی هر دو یکی است در آن صورت در مقابل عوامل و نیروهای این استعمار واحدین را آنها یکی است. چریکهای این همراهی استراتژیک را پسندخواه خود موقتی، و حتماً گذرا، یعنی تا یکیک می‌خوانند و بهیای عمده کردن اتحاد کارگران با دهقانان و دیگر زحمتکشان خرده بورژوا، جدائی و افتراق آنها را عمده میکنند، در واقع چریکها، همراهی خرده بورژوازی را با بورژوازی، عمده می‌بینند. این بدان معناست که تئوری مارکسیستی اتحاد پرولتاریا با خرده بورژوازی انقلابی را واژگونه می‌کنند و چون هم دیالکتیک «هکل» آنرا نه روی قاعده، روی رأس قرار میدهند.

۲- چریکهای فدائی، در عمده کردن خصک ارتجاعی خرده بورژوازی، که بسوی بورژوازی می‌گرید، تا آنجا پیش می‌روند که در نهایت خرده بورژوازی را به جای بورژوازی می‌شمارند. آنها می‌گویند، باید بر جنبه مشروط موقتی بودن هر حمایتی از خرده بورژوازی از طرف پرولتاریا تاکید شود. باید تا یکیک خرده بورژوازی و تزئیل آن نسبت به پرولتاریا را ترویج کنیم.

آری، با کسوس و کرنا ذهنی وجدائی قلمی خود را با خرده بورژوازی در نزدیک تبلیغ کنید بر روی توسعه ای خرده بورژوا، این لنت شدگان نظم سرمایه، فریاد بنزید، «مر تبیع... ست عنصر... متزلزل... رفیق نیمه راه... آنوقت از آنها بخوابید که تا پیدان کنند، برای شما کسف بزنند و بدبختان بیایند!

اما در ضمن، ریشخند کنایه آمیز انکس در درباره چرهای از سنخ خودتان بیاد آورید. انکس به خرده بورژواهایی که در پوست مار کسیم خزیه بودند و در باب مرتجع بودن خرده بورژوازی با حرات داد سخن میدادند که «قادر نیستند اندیشه های سوسیالیستی را در کف بطنه بملند میگفت، اگر دست می‌گویند، این حرفها را در نطق انتخاباتی خود در برابر دهقانان بگویند.

چریکها با حمایت «موقتی» و «مشروط» خود از خرده بورژوازی، دوش به دوش چه روحای مغاطب انکس قرار میگیرند. آنها توجه ندارند که اگر اتحاد طبقه کارگر با بورژوازی در برابر دشمن مشترک، جنبه تاکتیکی دارد، بخاطر آنست که بورژوازی، به اقتضای طبیعت و منافع طبقاتی و نقش تاریخی خود، نمیخواهد و نمیتواند تا به آخر با پرولتاریا همراه باشد. بنابراین همکاری بورژوازی با پرولتاریا، که انقلابی ترین طبقه و تا به آخر انقلابی است، بحکم واقعات عینی و مستقل از اراده و خواست نیروهای آگاه، علاوه بر جنبه مشروط و نسبی است، جنبه موقتی دارد. بسوزواری با پرولتاریا هم وحدت دارد و نه تضاد، اما وحدت این دو، به تصریح لنین «موقتی، نسبی، مشروط و گذر است»، در حالیکه تضاد آنها مطلق است.

در باره آن مقاله و تفسیر می‌نویسند، از اعتبار میاندازند.

۳- چریکهای فدائی از حمایت پرولتاریا از خرده بورژوازی سخن می‌گویند، بی آنکه ماهیت این حمایت - و نه شیوه آن - را روشن کنند.

حمایت واقعی پرولتاریا از دهقانان خود، بویژه دهقانان زحمتکش، بمفهوم آنست که او را در قرار گرفتن در آن موضع مناسب سیاسی و اجتماعی که با بهره ریزی از دستا است، یاری دهیم، تا بیل او را بسرمایه داری، به شاه يك آئین کهنه و منسوخ، با تقویت «فدائی» او به سوسیالیسم، که در جاذبه آن دهقانان دیکتاتوری کارگران را بر دیکتاتوری بورژوازی ترجیح میدهند، تشویق و بتدریج بهرنگ کنیم. این کاملاً میسر است، بشرطیکه دهقانان راه رچه بیشتر روشن سازیم، خرده های آنرا بک کنیم، و او را به سطح دیکتاتوری بی غیر پرولتاریا ارتقاء دهیم و منافع حقیقی و نهائی را در پیوند سروشت او با بهره ریزی بنمایانیم. این به کاری پیگیر، هوشمندانه، شاق و صبورانه نیازمند است، که در روند آن باید با این توده زحمتکش و نیم گامی پیشایش آن بود، نه در مقابل آن، باید او را در درک کرد تا توسط او درک شد، سازمانهای سیاسی واقعا پیروتری برای جلب زحمتکشان خرده بورژوا و توده های عظیم دهقانی، که اغلب عقب نگهداشته شدند، «باید چنان وساللی و روشهایی را بکارگردانند، که تجربه و سطح درک سیاسی آنها را بحساب آورد و برای آنان آشکار و خالصی از ایهام باشد». این «میلونوها انسان هرگز به نظریات احزاب اعتنا نخواهند کرد، مگر اینکه این نظریات با تجربه شخصی ایشان سازگار باشد.

(لنین، مجموعه آثار، جلد ۲۳، ص ۹۴۵)

اگر مضمون اتحاد پرولتاریا با زحمتکشان خرده بورژوا، عینی است، مشمولیت پیشاهنگ پرولتاریا در مقابل آن بیشتر است، حتی واکنشهای نامطلوب این متحد عینی و طبیعی نباید ضرورتهای اتحاد با او را، که تنها بر پایه تفاهم میسر است، از نظر پرولتاریا بپوشاند، درجهانی که پرولتاریا می‌خواهد در مرکز تحولات آن قد افراشته و مضمون اصلی آن گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است درجهان بیست و سترون نظم سرمایه و بی اعتباری روز افزون آن، ایجاد این تفاهم بر اساس تجربه های مساعدتری دارد.

۴- مبارزه با سازشکاری و گسریشهای ارتجاعی سازمانهای سیاسی وابسته به خرده بورژوازی، به هم چو چو متاثر اتحاد بی غیر پرولتاریا و اقتدار خرده بورژوازی متحد او نیست. برعکس این مبارزه - اگر وسائل و روشهای قانون مناسب خود را بیابد و در همکاری با تجزیه سیاسی و درک اجتماعی آنها به پیش رود - بهترین شیوه جذب جلب زحمتکشان خرده بورژوا است.

چریکهای فدائی باید توجه داشته باشند که گروهها و سازمانهای سیاسی وابسته به خرده بورژوازی می‌توانند این یا آن جانب، این یا آن خصک مثبت یا منفی خرده بورژوازی را منکم کنند، در چنین مواردی، موشمگسری در مقابل گروههای سیاسی وابسته به خرده بورژوازی نمیتواند با موشمگسری نسبت به توده های خرده بورژوا عیناً یکی باشد. مشی سیاسی احزاب و گروهها ممکن است در برهه ای از زمان با از منافع عینی توده های که این احزاب و گروهها متکی به آنند نباشد و رهبران سیاسی از توده ها فاصله بگیرند یا از درک تمایلات تاریخی آنها بازمانند. «رهبران و سازمانهای سیاسی بر آمده از خرده بورژوازی و نمایندگان راستین دیکراسی انقلابی، بهمان نسبت که در راستای مقتضیات تاریخی و مصلحت توده های خود قرار میگیرند، بهمان نسبت به پرولتاریا نزدیک تر میشوند، زیرا «طبقه کارگر همچون مدافع و رهبر تمام استعمار شونده گان و مضرمان با به میدان میگذارد.»

اس. ارها (دوگراسی خرده بورژوازی) و بلشویکیا (دیکراسی پرولتاریا) بر سر دهقانان و برای بخت آوردن اکثریت آنگان.

و آنگاه توضیح میدهند که احزاب داس-اره و «مشویک» نتوانستند به هیچیک از خواسته های بریم و علائق دهقانان پاسخ دهند:

دوره گریسکی برای توده های زحمتکش دهقانان، بزرگترین درس عبرت بود. این دوره صریح نشان داد که در حکومت اس-ارها و منشویکیا، گشور و زنجشک شلای نپوایند شد و به دهقانان نه زمین داده میشود و نه آزادی. نظریاتی که اس-ارها و منشویکیا با «کادنت» داشتند، همانا گفتار شیرین و وعده های توشالی و لالی بود، والا عملاً همان سیاست امپریالیستی گادتی را برقرار میکردند. انفراد اس-ارها و منشویکیا امر مسلمی شد. بدون دروس روشن این دوران انقلاب، دیکتاتوری پرولتاریا غیر ممکن میبود. (همان منبع، ص ۷۹)

سیر و تجربه ماههای غش و توفانی بین فوریه و اکتبر نشان میدهد که علیرغم حمایت لفظی و بی محتوی احزاب خرده بورژوازی از توده های زحمتکش خرده بورژوا، تنها پرولتاریا بود که دهقانان و دیگر زحمتکشان حمایت میکرد، به آنها یاری میداد تا با تجربه شخصی خود، بطور ملوس دوستان و دشمنان خود را بشناسند و برای این منظور حتی يك در خوردا از آنها و سروشتشان جدا نمیکرد. این مسئله ای است که چریکهای فدائی باید در گنه آن دقیق شوند، تا بین این امر عینی و يك امر ذهنی علامت سازی نگذارند، تا اتحاد عینی پرولتاریا و دهقانان زحمتکش را با حمایت از یک سازمان و گروه خرده بورژوازی، که میتواند موقتی و مشروط باشد، یکسان بینند، تا این دیدگاه اشتباه آمیز را که تمامی توده های خرده بورژوازی را فقط و فقط از زاویه تا پایداری و تزئیل علاج یابند، و بصورت رقیب و دشمن آینده از برای می‌کنند، تداوم و تعمین ندهند و دیگر منشویک را بر تکرار نکنند که:

تالی گیری خرده بورژوازی و تزئیل آن نسبت به پرولتاریا و موقتی بودن هر حمایتی از آن، در چارچوب مراحل استراتژیک انقلاب، قابل تاکید بوده و همواره باید ترویج شود.

## راه کارگر، باقر مومنی و دیگران

چریکهای فدائی، لااقل در ظاهر، خود را به مرز بندی بین بورژوازی و خرده بورژوازی متقدم نشان میدهند. اما برخی، با داعیه تحلیل علمی و مارکسیستی از جامعه، این قید ظاهری و لفظی را هم به دور می‌اندازند.

وقتی گفته میشود: «مشر با لای خرده بورژوازی همان بورژوازی متوسط است» و سرمایه دار کوچک همان خرده بورژوا است» (باقر مومنی، مسائل جنبش و حزب توده، ص ۵۶ و ۵۷) آیا نمونه رسمی از این بهر ریختن مرز بندی طبقات اجتماعی در برابر ما قرار نمی‌گیرد؟

تحلیل جامعه ما، که بر اساس چنین درکی شکل می‌گیرد، تا چه حد میتواند علمی باشد؟ یکی دانستن بورژوازی و خرده بورژوازی، به معنی نشان دادن اختلاف «تولید کالای ساده» یا «تولید سرمایه داری» است. اینکه اقتصاد سرمایه داری بر پایه تولید کالای ساده و بر اثر تجزیه آن پدید آمده، بهیچ وجه بمنزله یکسان بودن ماهوی این دو شیوه تولید نیست. اختلاف در شیوه تولید به مفهوم آنست که خرده بورژوا، هم در نحوه رابطه با وسائل تولید و هم از لحاظ جا و مقامی که در سیستم تولید اجتماعی احراز می‌کند، هویتی بنفر از بورژوازی کسب میکند. خرده بورژوازی، آمیز خاصی است از کارگر و بورژوا، اما نه ایست و نه آن او مالک وسائل تولید، زمین، ابزار و کارگاه است، و در عین حال انسان زحمتکش است که از دسترنج خود زندگی میکند. خرده بورژوا از رزده سرمایه داری زیان می‌بیند و با تکامل آن ورشکست میشود و از میان می‌رود. اما سرمایه دار موقت دیگری دارد. او فقط صاحب وسائل تولید است، بی آنکه در تولید نقش داشته باشد. تنها نقش او سر بار بودن است.

حتی اقتدار پائینی بورژوازی، این تفاوت موقعیت طبقاتی - اجتماعی که با خرده بورژوازی دارند. این عامیانه است که خرده بورژوازی را به معنی نفوی آن معنی کنیم و با بورژوازی کوچک منطبق بدانیم. این عامیانه است که بایکسوید یعنی بگوئیم:

«خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط یا قش با لای خرده بورژوازی، هر چه است را بگذارید، سرمایه داری است.» (مسائل جنبش... ص ۵۶)

اما از این تمسیر که حتی قش بندی خود خرده بورژوازی را هم در هم میریزد، عامیانه تر ایست که چنین تمسیر پریشانی از خرده بورژوازی بدست دهیم:

«... خرده بورژوازی انقلابی همین تهیدستان شهری و همین خرده بورژوازی سطح پایین است و خرده بورژوازی دقیقاً همین است.» (باقر مومنی، مسائل جنبش... ص ۲۴)

یکبار دیگر این جمله را مرور کنید، یکبار دیگر روی این کلمات تأمل کنید، تا عمق يك منطله را، که می‌خواهد خود را بسای تفسیر علمی جا بزند، دریابید.

«خرده بورژوازی انقلابی دقیقاً همین تهیدستان شهری است.»

آیا لازم است توضیح داده شود که اولاً تهیدستان شهری تنها محدود به خرده بورژوازی نیستند و اقشار و گروههای اجتماعی دیگری را نیز در بر می‌گیرند، لایها خرده بورژوازی انقلابی فقط تهیدستان شهری و با بقول باقر مومنی «دقیقا روستا، یعنی دهقانان خرده با ست ۱ همین آفته فکری است که در جملاتی نظیر جمله زیر، از تجربه مبهوت خود نقاب بر می‌دارد، «شما يك قش بورژوازی متوسط می‌بینید که خرده بورژوازی نیست.» (مسائل جنبش... ص ۳۳)

شکفتا! گوئی قرار اینست که بورژوازی متوسط همان خرده بورژوازی باشد، اما یک قش آن، این قرار و قانون را بهم زده و از جنبه خرده بورژوازی با بهره ن گذاشته است! اما اگر قرار است که بورژوازی متوسط، همین خرده بورژوازی هم باشد، در آن صورت تصریح اینکه «سرمایه دار کوچک، یعنی خرده بورژوا» (مسائل جنبش... ص ۵۶) دیگر چه می‌نماید! چگونه است که خرده بورژوازی یکبار بورژوازی متوسط از آب در می‌آید و بار دیگر سرمایه داری کوچک! آیا دلیل اصلی این تناقض گوئی و سردرگمی، در عدم شناخت علمی، هم از بورژوازی و هم از خرده بورژوازی و لایه بندی آنها نیست؟

چالیکه مرز بندی طبقاتی بهم میریزد، تئوری علمی به شبه تئوری بدل میشود و موشمگسری سیاسی، که بر نهاد این شبه تئوری تمسین میشود، پیش از آنکه گشاید، راه باشد، حفر کننند جا است. وقتی خط فاصل بین بورژوازی و خرده بورژوازی از میان برداشته میشود، پرولتاریا متحدین طبقاتی خود را گهمیکنند و از برای اجتماعی گشاندن میشود. او ناچار است بین متحد طبیعی و مستراتژیک خود، با متحد موقتی که در یک مرحله تاکتیکی با او همراه است، علامت سازی بگذارد و با احیاناً دوست و دشمن را با یک چوب براند.

## کرامی در شناخت خرده بورژوازی، در ادامه

وتکرار خود اشکال متنوعی می‌یابد. يك جلوه از این کرامی نمونه وار در نشریات «راه کارگر» به چشم می‌خورد. میلفان «راه کارگر» پیش از همه برای شناساندن خرده بورژوازی و بورژوازی از هم سخن گفته و کاغذ سیاه کرده اند و باز بیشتر از همه نسبت به خرده بورژوازی دچار تحویل اند. آنها می‌نویسند:

«حق اینست که بگوئیم جنبش چه هنوز دهقانان ایران را نمیشناسد.»

این دعوی، که پیش از همه در مورد خود گروه «راه کارگر» صدق دارد. در واقع نوعی قیاس به نفس است. آنها می‌گویند:

«در يك جامعه سرمایه داری، دهقانان را نمیتوان طبقه واحدی بحساب آورد.»

و این سخن است درست، زیرا زیر نام دهقان هم سرمایه دار ده می‌تواند جای گیرد، هم خرده بورژوازی روستا، یعنی دهقانان کز زمین و بی زمین و دهقانان میانه حال، اما نویسنده گان «راه کارگر» با این حرف درست و بیسار بهیچ، گریبان خود را از چنگ هر توضیح مشخص طبقاتی درباره اقشار دهقانی و نقش تاریخی آنها خلاص میکنند آنها روشن نمیکنند که در تقسیم بندی طبقاتی جامعه، جای دهقانان کجا است؟ آیا آنان يك توده بی طبقه اند، یا اقتدار مشخص از آنها در مناسبات تولید اجتماعی، مواضع مشخص طبقاتی دارند؟

تسجب اینجاست که محفل «راه کارگر»، با تنطه مستقیم یا غیر مستقیم تمامی نیروهای سوسیالیستی و جریانهای کارگری جهان معاصر و ایران، هیچ جنبش مارکسیستی را بی عیب و لزش باقی نمیگذارد و در نقی آنها به اثبات خویش میکوشد، و بی آنکه سراجاً این از کند، تلویحاً خود و قش خود را وارث حقه آموزش مارکس و لنین معرفی میکند و در همان حال ابتدائی ترین اصول مارکسیسم را زیر پا می‌گذارد! ایشان در فصل بزرگی که در کتاب خود به خرده بورژوازی اختصاص داده اند، حتی نامی هم از دهقانان نمیبرند و در فصلهای دیگر هم که از دهقانان تهیدست و کم زمین بحث میشود، متوجه نیستند که این قشر دهقانی با حجم بزرگ خود، ستون فقرات خرده بورژوازی ایران است. «راه کارگر» می‌نویسد:

«اکثریت قابل توجهی از نیروهای دهقانی را باید تحت عنوان دهقانان تهیدست طبقه بندی کرد که تنها از طریق مالکیت و کار در روی زمین خود نمیتوانند زندگی کنند.» اما «راه کارگر» بی تمسیر دهقانی که «تنها از طریق مالکیت و کار روی زمین خود نمیتوانند زندگی کنند»، همان خرده بورژوازی تهیدست روستاست.

«راه کارگر» در درای دهقانان، خرد - بورژوازی ایران را به دو بخش تقسیم میکند:

۱- خرده بورژوازی سنتی - که به نحوی از انحاء به تولید ماقبل سرمایه داری وابسته است و تنها اقتضای از زحمتکشان شهری را در بر می‌گیرد.

۲- خرده بورژوازی جدید که بقول خودش «سابقاً بسیاری از کارمندان متوسط الحال را زیر لوای آن برده است.»

در هیچیک از این دو بخش کترین جای به - بقیه در صفحه ۷

# درگذشت يك توده‌ای وفادار



با تامل تاسف‌آمیز اطلاع یافتیم که رفیق عباس مهرانی از یاران قدیمی و وفادار حزب توده ایران، پس از یک بیماری طولانی درگذشت. عباس مهرانی، که مسلمان متعهد و مبارزی بود، با تشکیل شورای متحد مردمی کارگران ایران، به این شورا پیوست. او از یاران و نزدیکان علی‌اکبر مبارزتوده‌ای بود و تا کودتای ۲۸ مرداد با او در یک سنگر مبارز می‌کرد.

در دوران اختناق و ستم‌پهلوی، او با گوش دادن به رادیو بی‌بی‌سی ایران، رهنمودهای حزبش را به میان کارگران می‌برد.

این مسلمان مبارز تا آخرین لحظه حیات به جنبش وفادارانه مادرگذشت این توده‌ای مبارز را به‌خاطر نوادگی وی و یاران او هم‌زمانش می‌سمیانه تسلیت می‌کوتییم.

# توقف تولید به دلیل پاکسازی شهر!

استاندار خوزستان به‌بهانه پاکسازی شهر اهواز، تولید را در این شهر در روز ۲۷ سفید متوقف کرد.

تظلمات تودوی اهوازی‌ها عملاً از روز ۲۷ سفید شروع شد. در این روز بدستور آقای غرضی استاندار خوزستان، تحت عنوان پاکسازی شهر، کارخانه‌ها، ادارات و مدارس تعطیل شدند و کارگران، کارمندان، مصلحان و دانش‌آموزان به محیط کار یا تحصیل خود رفتند. با توجه به شرایط حساس کنونی و تشنگی اوضاع اقتصادی کشور، که حتی یک ذره توقف تولید به تشدید وخامت اوضاع اقتصادی منجر می‌شود، تعطیل عمومی اهواز، آنگاه به دلیل پاکسازی شهر، چگونه می‌توان توجیه کرد؟

# از کمک‌های مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

به روز ۱۰۰۰ کارگران از لوح ۲۱۰۰ مسکو از پانه ۵۷۱۳ نادیا و نیلوفر به‌بهانی ۲۰۰۰ اسفرا اختیار از بند عباس ۵۰۰ جلال و زهرا زین‌العابدین ۲۰۰۰

توجه: از همه دوستانی که به هر یک از حساب‌های بانکی حزب توده ایران وجهی واریز می‌کنند، خواهشمندیم فتوکپی رسید بانک را برای ما ارسال بفرمایند.

# ششمین شماره

**دنیای**  
منتشر شد

واقعا نمی‌شد این مدارا را زودتر تهیه کرد؟ یا اصولا تهیه مدارا همان تهیه نفوذ سیاه بود؟

بعد موضوع فروکش می‌کند و تمام نیروها محطوف به حل مسئله گروگان‌ها، دیدار اعضای کمیسیون بررسی جنایات شاه مخلوع با گروگان‌ها و... می‌شود. بالاخره رویت اعلام می‌کند که «شاه با پرداخت وجه القصاص از بازداشت درآمده! هر چند یک منبع کاخ ریاست جمهوری یاناما، که از بازی «تایید تکذیب» خوش آمده است، این را هم تکذیب می‌کند و می‌گوید:

«در وضعیت شاه ایران تغییر داده نشده است و او همچنان بعنوان مسلمان دولت یسر می‌بیرد». (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۰)

کار به اینجا می‌رسد، سر و کله وکلای رنگارنگ وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران پیدا می‌شود که یکی فرانسوی است، یکی یانامایی، یکی آرژانتینی، یکی...»

وکیل فرانسوی ایران اعلام می‌کند که ایران تا ۲۲ مارس برابر با ۲۲ فروردین سال ۵۹، یعنی دو روز قبل از رفتن شاه مخلوع به مصر، فرصت طرح دعوی علیه شاه مخلوع را دارد. او همچنین اعلام می‌کند که «ایران رئیس پیشین دیوان عالی کشور یاناما را نیز به خدمت گرفته است تا طرح دعوی ایران همکاری کند. بگذریم که اسوشیتد پرس در معرفی این وکیل یانامایی دم خروس را نشان می‌دهد و اعلام می‌کند که:

«این شخص (وکیل یانامایی) به هواداری از دولت یاناما شهرت دارد!» (اطلاعات، ۵۸/۱۱/۲۷)

از این به بعد وکلای رنگارنگ يك در میان خبر می‌دهند:

«شاه مخلوع تا دو هفته دیگر بازداشت می‌شود». (اطلاعات، ۵۸/۱۱/۳۰)

«اگر مجازات شاه اعدام نباشد، استرداد شاه با موفقیت توأم خواهد بود». (اطلاعات، ۵۸/۱۲/۰۲)

«تقاضای بازداشت شاه هفت هفته آینده تسلیم دادگستری یاناما خواهد شد. (خبرگزاری فرانسه، ۵۸/۱۲/۱۶)

«مقدمات درخواست علیه شاه مخلوع فراهم شد. (آسوشیتد پرس، ۵۸/۱۲/۲۶)

الیه توجه دارید که تمام جملات بالا بنحوی ناقص یکدیگرند. به‌رحال کار به جایی می‌رسد که حتی برای «اشاء درخواست استرداد شاه مخلوع» آقای وکیل یانامایی راهی تهران می‌شود! (خبرگزاری فرانسه)

بگذریم که هزمان با این خبرهای خوش (۱) از آن طرف خبر می‌رسد که:

«برای استرداد شاه مخلوع از یاناما هیچگونه اقدامی نشده است» (روزبر دادگستری یاناما، ۵۸/۱۲/۰۵، آزادگان)

«وزارت دادگستری یاناما هیچگونه درخواست رسمی از سوی ایران دریافت نکرده است تا بتواند مراحل بررسی را آغاز کند». (همان روز)

لايه خاطر همین خبرهای ضد و نقیض است که ناگهان بیماری شاه مخلوع دوباره عود می‌کند و او بالاخره در بیمارستان بستری می‌شود. (۵۸/۱۲/۲۵)

در روز بعد باز ناگهان حال شاه مخلوع خوب می‌شود و عمل او به‌توقیق می‌افتد و بالاخره ۴ فروردین شاه مخلوع یاناما را به قصد مصر ترک می‌کند.

ولی وزیر خارجه ایران خوش‌پاورانه می‌گوید:

«این جنایتکار را هیچ‌جا قبول نکرده‌ایم... اسرائیل جنایتکار هم او را نپذیرفته تنها جایی که گریسینجر توانست با روابطی که با انورسادات خان دارد، مصر بود...» (مصاحبه آقای قلبزاده با کیهان، ۶ فروردین)

به این ترتیب آقای قلبزاده، يك مسئله پیچیده جهانی را که امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا عیقاقد آن درگیر است، این چنین در چهار کلمه توجیه و تفسیر می‌کند و رابطه امپریالیسم با وابستگیش را در رابطه خصوصی کیسینجر و انورسادات خلاصه می‌کند.

اما آقای قلبزاده، در ورای این ساده‌انگاری، مسئله اصلی خود را نیز مطرح می‌کند و با گفتن اینکه:

«... گزاره ملی اینجا (یاناما) تصمیم گرفته بود اگر تا ۲۴ ساعت ما يك کاری در مورد گروگان‌ها بکنیم و آن‌ها دستشان پر باشد و بتوانند عمل بکنند والا آن‌ها هم زیر فشار افکار عمومی قسبه را رها کنند...» (همان مصاحبه)

در حقیقت بار دیگر مسئله لزوم انجام «کاری در مورد گروگان‌ها» را مطرح می‌کند. کاری که دست یانامایی‌ها را بهره کند. آیا این کار جز آزادی گروگان‌ها، بدون تحویل شاه مخلوع چیز دیگری می‌توانست باشد؟ و الا در مورد گروگان‌ها چه کاری می‌شد کرد که دست یانامایی‌ها و در حقیقت آمریکا دره‌باشد؟ به‌صورت حلال شاه مخلوع به مصر رفته است. با مصر هم که رابطه نداریم، مصر هم که با آمریکا رابطه ندارد، فقط رابطه کیسینجر است و انورسادات! انورسادات هم که با ایرانایی‌ها قهر است و طبعاً به کسی تلفن‌های شبانه نمی‌زند و... شاید يك وکیل معری قسبه را حل کند! وکیل یانامایی که نتوانست، هر چند حسن کار این وکیلان این بود که... ما در این ماجرا يك پیروزی نسبتاً بزرگ پرایمان ایجاب شد، یعنی در مقابل هرگونه فکری که ما نمی‌توانستیم و حقانیت نداشتیم، در مقابل جنایات شاه این مسئله از بین رفت...» (از مصاحبه آقای قلبزاده)

بسر حال برای هر که باشد، برای وکیلان بد نشد. رفتن وکیل یانامایی پرسیدند: «چقدر پول از دولت ایران دریافت می‌کنند، تا کار به این پیچیدگی را دنبال کند؟ او «قبه‌کنان خندید و رفت!» (اطلاعات، ۵۸/۱۲/۰۵)

# بازی استرداد شاه مخلوع و خوش باوری آقای وزیر خارجه

زودگرایی شخصی، اصل قسبه را به فراموشی سپرد، و درست در روزی که شاه مخلوع تعطیلات آخر هفته را با رئیس جمهور یاناما می‌گذرانده، دم از اختلالات داخلی می‌زند.

# سکوت وزارت خارجه، افشاگری رئیس جمهور یاناما

روز ۱۶ دی ماه ۱۳۵۸ روزنامه اطلاعات خبر از نامه‌ای می‌دهد که رئیس‌جمهور یاناما روز ۲ دی ماه به مقامات ایرانی نوشته است. بنا به گفته مقامات یانامایی، پس از گذشتن ۹ روز و سکوت مسئولین ایرانی در قبال این نامه، عاقبت رئیس‌جمهور یاناما شخصاً مفاد نامه را فاش می‌کند. در این نامه تأکید شده است که: «گروگان‌های آمریکایی باید پیش از آنکه یاناما استخراج شاه مخلوع ایران را مورد بررسی قرار دهد، آزاد شوند» او در این نامه مجدداً متذکر می‌شود که «مطمئن است که ایران نمی‌تواند خود را با شرایط استرداد شاه مخلوع از یاناما منطبق کند» اولین سئوالی که در رابطه با این نامه مطرح می‌شود این است که: چرا این نامه آنقدر نزد مقامات ایرانی می‌ماند تا عاقبت رئیس‌جمهور یاناما آن را انشاء کند و آن گنفته چرا باید که سخنان رئیس‌جمهور یاناما دقیقاً و مشخصاً حاکی از عدم استرداد شاه است، وزارت خارجه ایران دم از پیشرفت مذاکرات با یاناما می‌زند؟ (آقای قلبزاده اعلام کرد که رئیس‌جمهور یاناما تلفنی با او تماس گرفته است.) (۲۶ دی ماه)

بازی «از وزارت خارجه خوش‌بینی، از یاناما بازی‌بازی» همچنان ادامه می‌یابد تا اینکه روز ۳ بهمن‌ماه ناگهان اعلام می‌شود که: «شاه در یاناما دستگیر و بازداشت شده!»

براساس اطلاعات وزارت خارجه، این مطلب در گفتگوی شبانه رئیس‌جمهور یاناما با شخص آقای قلبزاده اعلام شده است. آقای قلبزاده نیز رسماً اعلام می‌کند که «این خبر دقیق و قطعی است و دیر یا زود همه دنیا آن را باور خواهد کرد». (همان روز - روزنامه‌ها)

فرمای آن روز، ۴ بهمن‌ماه، سخنوی دولت یاناما رسماً دستگیری شاه را تکذیب می‌کند (کیهان) و رئیس‌جمهور یاناما نیز زود همین روز «روشن کرد که شاه مخلوع نه تنها دستگیر نشده، بلکه از جانب نیروهای امنیتی یاناما محافظت هم می‌شود» این تأیید و تکذیب‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که مردم کشور به‌خاطر این خبر دروازه دروغ فرغ در شادی می‌شوند، چراغ اتوبیله‌ها را روشن می‌کنند، یوق می‌زنند و حتی محل محاکمه شاه مخلوع را نیز تعیین می‌کنند: ورزشگاه آزادی!

و قسبه به این ترتیب ادامه می‌یابد:

«سخنوی دولت یاناما «دعای صادق قلبزاده وزیر امور خارجه ایران را در مورد بازداشت شاه سابق در یاناما و استرداد او به ایران مطلقاً بی‌پایه و اساس خواند» (۱۱/۴ - کیهان)

«سخنوی وزارت خارجه حرف‌های سخنوی دولت یاناما را تکذیب کرد»

«سخنوی سفارت آمریکا اعلام کرد که: «این داستان به کلی بی‌اساس است و دولت یاناما هم آن را تکذیب کرده است»

«آقای قلبزاده که در مواقع مختلف، چپ و راست با خبرگزاری‌های امپریالیستی و سبیبیستی مصاحبه اختصاصی می‌کند، این بار همه خبرگزاری‌ها را دروغگو و خرابکار می‌خواند و اعلام می‌کند که «شاه بازداشت شده است» این است و جز این نیست! حالا بگذار رئیس‌جمهور یاناما سوگند یاد کند که: «موضوع بازداشت شاه و یا تحویل وی به دولت ایران مطرح نیست» (خبرگزاری فرانسه، ۵۸/۱۱/۱۴)

# بازی تکذیب

با این ترتیب در حالی که مردم یاناما علیه اقامت شاه مخلوع در یاناما دست به تظاهرات خونینی می‌زنند، آقای ماریو پاتر دبیر کل فدراسیون دانشجویان یاناما، که از رهبران تظاهرات ضد شاه مخلوع است، باقیب از خبرنگار «نامه مردم» می‌رسد:

«چرا دولت ایران اسناد جنایات شاه را به یاناما نفرستاده است؟ و آقای قلبزاده، پس از مرگ سهراب، بی‌وزمندانه خبر از آوردن نوشادرو می‌دهد و می‌گوید:

«... ما توانستیم تمام اسناد و مدارک را آماده کنیم... و يك روز قبل از موعد مقرر مدارک ما در یاناما حاضر بود...» (مصاحبه با کیهان، ۶ فروردین ۱۳۵۹)

بازی «استرداد شاه مخلوع از یاناما» همانطور که از ابتدا روشن بود، با رفتن محمد رضا پهلوی از یاناما به پایان رسید. در حالی که آقای صادق قلبزاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که دانسته یا ندانسته، نقش اول این بازی را برعهده داشت، با وجود وکلای رنگارنگ ایران که «مواظب بودند کلک حقوق نبرند» (از مصاحبه وزیر خارجه، کیهان، ۶ فروردین) هنوز تمام توطئه‌های امپریالیسم جهانیخواه آمریکا را به سادگی «کلک» می‌خواند و از آن ساده‌تر، می‌گوید:

«اگر شاه ۴ ساعت دیگر مانده بود، توقیف می‌شد و محاکمه می‌گردید» (از همان مصاحبه)

شاه مخلوع، ۲۶ آذر سال گذشته، با يك هواپیمای نیروی هوایی آمریکا از این کشور به یاناما رفت و در پایگاه هوایی «هوارده» متعلق به نیروهای مسلح آمریکا در یاناما فرود آمد. شاه مخلوع هنوز به خانه خود در یاناما نرسیده بود که به جای مسئولین دولت به‌اصطلاح مستقل یاناما، کاخ سفید واشنگتن اعلام کرد که: «دولت یاناما به حق اقامت داده است» (خبرگزاری فرانسه، روزنامه جمهوری اسلامی)

بر همان آشکار بود که نقشه این سفر توسط امپریالیست‌های آمریکایی طرح و اجرا شده و دولت یاناما در این بازی نقش دست چندم برعهده داشته است. دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، در رابطه با این سفر، در اطلاعاتیه شماره ۷۸ خود بدستوری اعلام کردند که:

«... دولت جنایتکار آمریکا که به‌خوبی می‌داند با محاکمه محمد رضا پهلوی فراری موقتیت سران‌مزدوروش برای ملت‌های جهان روشن خواهد شد و دیگر جانی برای ادامه سلطه تنگنیش بر ملل محروم باقی نخواهد ماند، به‌شکست فاحش دیگری نرسد و محمد رضا پهلوی فراری را به دولت دست‌نشانده خود یاناما انتقال می‌دهد تا به‌خیال خود ملت‌ها را بفریبد که دیگر نکونند آمریکا باید مجدداً پهلوی فراری را به ملت ایران تحویل دهد...»

اما آمریکا خیال خامی در سر می‌پروراند: ملت‌ها فریب نمی‌خورند. هر چند آقای صادق قلبزاده، اگر خوش‌بینانه بنگریم، نشان می‌دهد که برخی مسئولان دولتی فریب می‌خورند. بر همین اساس وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، روز ۳ دی ماه ۱۳۵۸، یعنی تازه ۷ روز بعد از فرار شاه مخلوع، رسماً از دولت یاناما «استرداد استرداد شاه می‌شود»

رئیس‌جمهور یاناما، سهره دیگر این بازی، که از همان روز ورود شاه مخلوع خبر از «میهمان‌نوازی» دولت یاناما داده و تأکید کرده بود که «اجازه اقامت شاه در یاناما بدون محدودیت زمانی است» ۵ روز بعد یعنی روز ۸ دی ماه اعلام کرد که «... یاناما حاضر است درخواست ایران را در رابطه با استرداد شاه مخلوع مورد بررسی قرار دهد...» اما او معتقد است که «بازگرداندن شاه سابق به ایران تقریباً غیرممکن است، چرا که خیال نمی‌کند دولت ایران بتواند اسناد لازم را برای استرداد شاه، که طبق قانون یاناما ضروری است ارائه دهد...» (اطلاعات، ۵۸/۱۲/۰۸)

یازم برهنگان، «و امیدواریم آقای قلبزاده...» «مردوشن است که دولت ایران و ملت ایران می‌تواند اسناد لازم را برای استرداد شاه ارائه دهد: ۷۰ هزار کشته، صدها هزار زخمی! پس باید دید رئیس‌جمهور یاناما از کدام «توانستن» سخن می‌گوید»

در نگاه به مقاله «نامه مردم» در روز ۱۳ دی ماه ۱۳۵۸، تحت عنوان «محاکمه شاه مخلوع، محاکمه آمریکاست»، می‌توان به که مطلب مورد نظر آقای رئیس‌جمهور یاناما می‌برد. در این مقاله می‌خوانیم:

«... این محاکمه (محاکمه شاه مخلوع) افشاء تمام زنجیره سیاسی است که امپریالیسم آمریکا در ایران اجرا کرده است، تا یاران رایه‌کشوری استعمارزده، زیر یوغ يك رژیم پلیسی - نظامی خونخوار با وظیفه زلدمار منطقی‌های بکشاند»

آری، محاکمه شاه مخلوع، محاکمه آمریکاست و طبیعتاً آقای رئیس‌جمهور یاناما، که از وابستگی آمریکاست، باور ندارد که آمریکا مشتاقانه و به‌های خود به‌های میز محاکمه ایران بیاید. پس شاه نمی‌تواند به ایران مسترد شود، پس ایران نمی‌تواند اسناد لازم برای استرداد شاه را ارائه دهد!

جهانیان این را می‌دانند، اما آقای قلب زاده ناظران این را نمی‌دانند، زیرا در حالی که دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در رهن‌نامه خود تأکید می‌کنند که: «... شاه را باید به شیوه‌ای انقلابی پس گرفت نه سازشکارانه...» سخنوی وی روز ۱۵ دی ماه اعلام می‌کند که:

«... بر اثر اقدامات وسیع دیپلماتیک... دولت یاناما رسماً اطلاع داده است که حاضر به بررسی موضوع استرداد شاه مخلوع بوده و منتظر است که ظرف مدت کوتاهی اسناد مربوط به «بریت شاه...» را دریافت دارد» (کیهان، ۱۳۵۸/۱۰/۱۵)

آقای قلبزاده نیز در همین روز شخصاً در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان و در پاسخ به این سئوال که «آیا احتمال اینکه یاناما پس‌دادن شاه را جدی تلقی کند، هست یا خیر»، می‌گوید:

«بله! با اقداماتی که ما کرده‌ایم این مسئله به صورت جدی طرح شده است و اگر ما از داخل مواجبه با يك خرابکاری در رابطه با وزارت خارجه تشویق و سعت‌کنند که وزارت خارجه را تشویق کنند، امید پیروزی هست!»

به‌این ترتیب آقای قلبزاده، با پری‌دادن به مسائل فرعی

روزنامه فرانسوی لوموند در شماره ۲۴-۳۳ مارس خود (چهارم فروردین) از قول آقای بنی‌سدر رئیس‌جمهور نوشته است که:

«چهل و چهار هزار مأمور ساواک مشمول اعاده حیثیت قرار خواهند گرفت و می‌توانند در ادارات دولت جمهوری مشغول کار شوند».

ایسن مطلب را روزنامه‌نگار معروف فرانسوی، آقای اریک رولو، در مقاله‌ای که در صفحه اول روزنامه

لوموند چاپ شده، به نقل از رئیس‌جمهور نوشته و در آغاز اظهار عقیده کرده است که:

«جناب راست، محافظه‌کاران از هر نوع روحانیون قشری و طرفداران سلطنت می‌توانند خوشحال باشند»

مشمولیت تفسیر و اظهار نظر روزنامه‌نگار ایبه با خود اوست، ولی سخنان رئیس‌جمهور، که مقام مسئول است و از زبانی‌وی حائز اهمیت فراوان برای

# آیا ۴۴ هزار ساواکی بکار در ادارات گمارده خواهند شد؟

آینده دستگاه حکومتی ایران است. آیا روزنامه‌نگار فرانسوی سخنان رئیس‌جمهور ایران را درست نقل کرده است؟

آیا واقفاً ۴۴ هزار مأمور ساواکی در دبیرس‌های مختلف مشمول اعاده حیثیت خواهند شد؟

آیا واقعاً در نظر است راه‌وزارتخانه‌ها و ادارات بیرونی مأموران ساواک شاه مخلوع، این دستگاه عسکه اختناق و سلطه امپریالیسم، بازشود و آنها دوباره بکارگمارده شوند؟

لوموند چاپ شده، به نقل از رئیس‌جمهور نوشته و در آغاز اظهار عقیده کرده است که:

«جناب راست، محافظه‌کاران از هر نوع روحانیون قشری و طرفداران سلطنت می‌توانند خوشحال باشند»

مشمولیت تفسیر و اظهار نظر روزنامه‌نگار ایبه با خود اوست، ولی سخنان رئیس‌جمهور، که مقام مسئول است و از زبانی‌وی حائز اهمیت فراوان برای

# یکشنبه‌ها: «مردم» بزبان کردی

هوسلطان کرد مقیم تهران می‌توانند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه

# برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکس‌های تمام‌مبارزانی را که در دوران سلطنت تنگین و متغورخاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به‌شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری و باسپاس - «نامه مردم»

# لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!



# اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید



### رئیس هیئت نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در مسکو: نیروهای شوروی برای دفع تجاوز خارجی وارد افغانستان شده اند

دربین دیدار یک هیات حقوقدان دمکرات افغانستان، محمدالشاعر رئیس هیات نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در مسکو، که یکی از اعضای این هیات بود، در محاسبه ای گفت که لیبیاییسم و صهیونیسم هیا هو برآه انداخته بودند که اتحاد شوروی با اصطلاح افغانستان را اشتغال کرده است، اما ما دیدیم که نیروهای شوروی برای دفع تجاوز خارجی وارد کشور شده اند و مورد احترام مردم افغانستان هستند. نیروهای شوروی همرد افغانستان در جریان سیل وحشتناک اخیر کمکهای فراوانی کردند. محمدالشاعر اضافه کرد که مذهب کاملاً در افغانستان محترم شمرده میشود و در ملاقات با رهبران مذهبی، این رهبران برای بر یک کامل احترام فراوانی قائل بودند.

### صندوق کودکان سازمان ملل متحد اعلام کرد که اوضاع کامبوجا عادی شده است

صندوق کودکان سازمان ملل متحد اعلام کرد که اوضاع کامبوجا عادی شده است. مدیر کل این صندوق در نیورورک اعلام کرد که مردم کامبوجا، که از قهقه رژیم ترور و وحشت پول پوت - پنگ ساری آزاد شده اند، در یکسال اخیر به پیشرفت های بزرگی نائل آمده اند و سر کامبوجا تحت کنترل شورای انقلابی است. کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی و ویتنام در یکسال اخیر دوستانه تر از هر زمان مواد غذایی در اختیار مردم کامبوجا قرار داده اند. کشورهای غربی بویژه آمریکا تلاش کردند که از کمک سازمانهای بین المللی برای رساندن اسلحه به باندهای جنایتکار پول پوت - پنگ ساری استفاده کنند.

### جنایتکاران فراری کوبالی در آمریکا فعال اند

سازمان ترویجی اسکال-۷، که اعضای آنرا فراریان و جنایتکاران کوبالی در آمریکا تشکیل میدهند، یک همپلاستیکی در اتومبیل نماینده کوبا در سازمان ملل متحد کار گذاشت. این همپ بوسیله یکی از مقامهای کوبالی خنثی شد این سازمان با چشم پوشی مقامهای آمریکایی بارها دست به این قبیل اعمال جنایتکارانه زده است. پلیس آمریکا تاکنون اقدامی علیه این سازمان جنایتکار انجام نداده است.

### توطئه گران بر ضد انقلاب افغانستان اعتراف کردند

یک آمریکایی و یک استرالیایی، که بملت توسطه علیه انقلاب افغانستان در این کشور بازداشت شده بودند، پس از آنکه به اقدامهای ضد انقلابی خود کلاماً اعتراف کردند، رسماً تقاضای عفو نمودند و آزاد شدند. این دو نفر همچنین اسناد زیادی در مورد توطئه های خارجی علیه افغانستان را به مقامهای این کشور تسلیم کردند.

### دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا توطئه های آمریکا و چین را علیه افغانستان محکوم کرد

دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا در کنفرانس حزب کمونیست این کشور توطئه های آمریکا و چین را علیه افغانستان شدیداً محکوم کرد. دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا خواهان برچیده شدن پایگاههای خارجی در اقیانوس هند شد. دبیر کل حزب کمونیست سری لانکا گفت که، آمریکا و چین از خاک پاکستان برای توطئه علیه افغانستان استفاده می کنند.

### همکاری حزب کمونیست بلغارستان و جبهه آزادیبخش ساندی نیست

سفارتکرات هیات بلند پایه دولت انقلابی نیکارا گوته بارهبران بلغارستان در صوفیه بیان یافت و دو کشور چندین توافق نامه در مورد همکاری حزب کمونیست بلغارستان و جبهه آزادیبخش ساندی نیست امضا کردند. هیات نمایندگی نیکارا گوته قبلاً از اتحاد شوروی نیز دیدن کرده و موافقت نامه های مشابهی در این کشور به امضا رسانده بود.

### کشاورزان پرتقال برای دفاع از اصلاحات ارضی انجام شده به مبارزه برخاسته اند

کشاورزان و کارگران کشاورزی پرتقال مبارزه وسیعی را برای حفظ و تحکیم اصلاحات ارضی انجام شده در کشور آغاز کرده اند. دولت راست گرای کارپرو تصمیم گرفته است این دستاوردها را بپا دهد و بار دیگر مالکان بزرگ را به روسای بازگرداند. در جریان تظاهرات وسیع کشاورزان دریالت آلنژو، یک کشاورز بر اثر حمله پلیس مجروح شد. دهقانان اعلام کرده اند که اجازه نخواهند داد یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب پرتقال، یعنی اصلاحات ارضی بوسیله دولت دست راستی کشور نابود شود. قرار است تظاهرات بزرگی در پرتقال برگزار شود. حزب کمونیست پرتقال اعلام کرده است از خواستهای بر حق کشاورزان کاملاً حمایت می کند.

## چپ روها و...

### بقیه از صفحه ۵

دهقانان داده نشده و بنابراین آنها در زمین خردم بورژوازی بحساب نیامده اند. تا اینجا ما با یک تصور ثوریک روبرو هستیم، که بنوع خود میتواند در صحنه سیاسی به نتایج اسفناکنی بیانجامد. اما اشکال کار فقط در اینجا نیست، در نحوه تقسیم بندی کارمندان و متخصصین به اقتدار سرمایه داری یا اقتدار خرد بورژوازی نیز هست، توجه بفرمایید: «بزرگان جوان و تخصص ندیده، تکنیسین ها و متخصصان بهداشتی و پزشکی، دندانپزشکان رده پایین که مشتریانی قابل توجهی ندارند، بسیاری از مهندسان که تخصصشان آنها را تبدیل به سرمایه دار نگردانده است، بسیاری از فرهنگیان بالادست، کارمندان متوسط و حتی در پاره ای موارد بالای ادارات و شرکت های مختلف در میوان تحت این عنوان (خرد بورژوازی جدید) طبقه بندی کرد. (فاتیسم، کابوس یا واقعیت، جزوه ۱، ص ۲۰) و زوختن میزبند؛ حق با شماست. این مارکسیسم نیست، ریشخند مارکسیسم است، این بهتانی است به علم، و گسرتنه چگونه میتوان داشتن تخصص را ملاک قرار گرفتن در یک طبقه اجتماعی و نه داشتن آن را دلیل واقع شدن در طبقه ای دیگر دانست؟ چگونه میتوان مدعی شد که مهندس عادی خرد بورژواست، اما تخصص او را تبدیل

## در جهان سوسیالیسم چه میگذرد

### رشد تعاونی های کشاورزی در کوبا

در سال گذشته اشکال جدید و عالی تری از سازمانهای تولیدی در کشاورزی کوبا پدید آمد. تا اوایل دسامبر ۱۳۵۸، نزدیک به بیست هزار دهقان در ۸۳۲ بنگاه تعاونی تولید کشاورزی عضویت داشتند. بدین ترتیب اکنون بیش از صد و پنجاه هزار هکتار زمین کشاورزی در اختیار شرکت های تعاونی است. کوبایی ها بدینسان رهنمودهای نخستین کنفرانس حزب کمونیست کوبا را درباره گذار کاملاً به تولید تعاونی در سراسر کشاورزی کشور با موفقیت پیگیری میکنند. بیدایش شرکت های تعاونی، بویژه پس از کنفرانس پنجم دهقانی در بهار ۱۳۵۶ مان گرفت. بسیاری از روسای این شرکتها در اتحاد شوروی، آلمان دموکراتیک و بلژیک در دوره های آموزشی دیده اند. دولت کوبا از هیچگونه کمک، از جمله تراکتور و دیگر ماشینهای کشاورزی، کمد و اعتبار به تعاونی ها دریغ نمی ورزد.

### افزایش نوزادان در چکسلواکی

چکسلواکی از نظر شماره نوزادان یکی از کشورهای درجه اول اروپاست. به جمعیت این کشور هر ساله از این طریق صد هزار نفر افزوده میشود. افزایش جمعیت بویژه در اسلواکیای خاوری و مرکزی، که قبلاً مناطق بسیار عقب مانده ای بود و در سالهای پیش دارای صنایع پیشرفته شده اند، چشمگیر است. علل اصلی افزایش نوزادان سیاست اجتماعی حزب کمونیست چکسلواکی و دولت آن کشور است، که آینده ای رفاه و رفاه را برای نوسوروندان چکسلواکی پدید می آورد. اعطای اعتبارات بدون بهره به زنان و شوهران جوان، کمک هزینه ساختن خانه ها به خانواده های پر فرزند، مرخصی های طولانی برای مادران، ساختمان شیرخوارگاه ها و کودکان های متعدد و مدرن از جمله اقداماتی است که شوق افزایش شماره نوزادان بوده است. میانگین سن مردم چکسلواکی، که در سال ۱۳۴۹، ۶۹٫۶ سال بود در سال ۱۳۵۸ به ۷۰٫۷ سال افزایش یافت. جمعیت چکسلواکی در اادی ۱۳۵۸ - ۱۵۲۸ میلیون نفر بود. آمارگران انتظار دارند که در سال ۱۳۶۹ به ۱۶ میلیونین بشود. چکسلواکی خوش آمد بگویند.

### نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ صبح و از ۱۷ تا ۲۰ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده مراجعه کنند. ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. مقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

### توجه!

جلسات «پروشی و پاسخ»، ساعت ۵ تا ۵ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود. روزهای پنجشنبه از چهارشنبه، بجای روزهای

## کاخ بسپار و لاریزین کدیم

## قائم حزب بسپار کدیم آباد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و با ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشاد کوی، شماره پانکی ۸۲۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تصام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۴) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

دختر یک کارگر توده ای می نویسد: «من دختر یک کارگر توده ای هستم. همین افتخار برایم بس. می گویم که خودم برای حزب محبوبم عضو شایسته گزیدم. به ندای حزب برای ساختن خانه حزب پیر افتخارم، پول لباس عیدم را که مبلغ ۳۰۰۰ ریال میباشد، تقدیم می کنم. ضمناً مبلغ ۵۰۰ ریال هم مادرم جهت خانه حزب تقدیم میدارد. دوستدار همبستگی حزب توده ایران، حزب مارا ز نوین طبقه کارگر ایران اس. پ.»

محمود احمدی ۵۰۰۰۰۰ ریال  
واحد حزبی در ماهشهر ۳۰۰۰۰۰  
کلاه از رشت ۳۶۰۰۰  
زینبوس وایسی از دانشگاه آزاد ایران - اسفهان ۵۰۰۰  
آرش کوچولو ۲۰۰۰

یکی از هواداران حزب توده ایران در شهر کرد یک نسخه نامه مردم را برای کمک به ساختن خانه حزب به مبلغ ۵۰۰ ریال خرید و گفت: «دلم میخواهد حداقل پول یک آجر از ساختمان حزب خودم را داده باشم و در حد توانایی در ساختمان خانه حزب خود را سهم بدانم.»

افرا، افسون، آرش نوشته اند: «ما بوسیله نمایشگاهی که از آثار نقاشی خود که در منزل تربیت داده ایم، مقداری پول (۲۳۹۶ ریال) جمع کرده ایم که به حزب تقدیم می داریم. این نمایشگاه از آثار افرا، ۷ ساله - افسون، ۱۰ ساله و آرش، ۱۲ ساله تشکیل شده است.»

از افراد معمول شده بود و برخی از کاردها به عناس بورژوازی تبدیل یافته بودند. (زینب مین زینا تو، نهجین تقیر، جناب فارسی، ص ۳۳).

همینکه معیار تعیین طبقات اجتماعی، از موازین مارکسیستی فاصله میگردد، جا برای سوءاستفاده ها و تبلیغاتی مانند نمونه های فوق باز میشود. به عنوان مثال، «دبیرستان قوام» میباید، از رخت های که در مرز بندی غلبه بین طبقات پدید می آورند، مجموعه مارکسیسم را به زیر آتش بگیرند.

وقتی روشنفکران «راه کارگر» - حتی در صورت حسن نیت کامل - درآمد و تخصص و قلمت کثرت - یعنی را اساسی جدا کردن طبقه ای از طبقه دیگر قرار می دهند، آب به آسیاب مائوئیستها و «جیلان» ها میریزند، کیر که در لفظ مائوئیسم و زائده های از قماش «جیلان» را با خشم و از جاد طرد کنند. و همین دلیل است که بر پایه نظرات آنها، ما بر سه های قوی مائوئیستی را، که از خود غافل است، در کنه وجود آنها می بینیم.

چندان دشوار نیست که انتهای راهی را که مدعیان راه کارگر در پیر تو تئوری های غاربتی خود در پیش گرفته اند و صد البته به هیچ وجه راه کارگر نیست، از هم اکنون پیش بینی کرد. حتی در نهایت شود و ایمان به مارکسیسم و مسرت طبقه کارگر، میوان در عمل مانع مارکسیسم و طبقه کارگر بود.

کیف پول، تفاوتی خلاصا کمی است، که بوسیله آن میتوان همواره دو فرد از یک طبقه را در برآیم هر چه فراداد، و در جای دیگر، برداشت ماوکس را از این مسأله، چنین بیان میکند: «تیمز طبقات نه مبتنی بر ملاک ثروت است و نه مبتی بر ملاک شغل، زیرا این هر دو نمود از نتایج وضع کلی یک طبقه نسبت به تولید و نسبت به طبقات دیگر، در داخل جامعه اند.» (مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ص ۳۰)

می بینید که ابداعات آقایان «راه کارگر»، پیش از آنکه توسط آنها بسته بندی و به بازار آشفته انواع کالا های بدلی مارکسیستی عرضه شود، تا زبانه علمی مارکسیسم را بر کرده خود احساس کرده است. می بینید که آنچه سمش شده «توه و در عین حال «اصل» جلوه داده شود، حتی در زمان مارکس، بسوی یک زدگی اش، مشام او را می آزد.

اما این چه رمز است که یک نظریه مبرور و بارها داغ باطل می خورد و باز بارها، به اشکال تازه، از روزنه های پشمار سربرون می آورد؟ علاوه بر سوسیالیستهای خرد بورژوازی اولیه، مائوئیسم در کتاب «تحلیل طبقات چین»، میزان ثروتی را که هر گروه اجتماعی در اختیار دارد، مبنای تمیز طبقاتی مینداند و بر همین مائوئیست است که دشمنان قسم خورده مارکسیسم، محلهای کشف طبقه جدید، سرمایه دار را در

# گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر بار نجات داد

# حوادث اندیمشک زنگ خطر جدید

حوادث خونین اندیمشک، که در آخرین روزهای سال ۱۳۵۸ روی داد، نتیجه مستقیم نارسایی‌ها، ناتوانی مسئولین محل در رفع مشکلات و سوءاستفاده عوامل ضدانقلاب از شرایط زندگی مردم بود.

بر اساس اطلاع رسیده، روز ۲۵ اسفند سال گذشته، بیکران اندیمشک توسط کانون بیکران این شهر به شرکت در یک تحصن فراخوانده شدند. دلیل این تحصن عدم پرداخت وام‌های بیکاری بود که به‌شمار اندیمشک قبلاً پرداخت آنها را وعده داده بود. در ضمن تحصن کسانی که رهبری جریان را برعهده داشتند، سخنانی ایراد کردند و اظهار از متحصنین خواستند که از ایجاد جو ناآرام و درختن محرکین در صفوف خود جلوگیری کنند. ولی متحصنین با پختن درهای اداره راه آهن به روی کارمندان و جلوگیری از خروج آنها عملاً باعث تشنج اوضاع شدند.

بعد از این جریان، بیکران به طرف بازدار روز اندیمشک راهپیمایی کردند و درگیری بین یکی از بیکران و بازداران به بر خورد خونین آتش بیکران و بازداران انجامید.

در این هنگام سپاه پاسداران اندیمشک وارد عمل شد و تعدادی از بیکران را دستگیر کرد. دستگیری این عده منجر به گسترش درگیری و در نتیجه تیراندازی پاسداران گردید. با بردن بیکران دستگیر شده به مقر سپاه پاسداران، گروهی از مردم و بقیه بیکران در مقابل این سپاه گرد آمدند و با دادن شعارهای «مرگ بر سازشکار» «مرگ بر آمریکا»، خواستار آزادی بیکران توقیف شده گردیدند.

در این هنگام یکی از روحانی نمایان اندیمشک کدور جریان انقلاب نقش نداشته، ولی پس از انقلاب برای مدتی جزو مسئولین کمیته انقلابی شهر اندیمشک بوده است، از بلندکوی یکی از مساجد مردم را به چهاراد علیه «بیکران» کفار و دعوت کرد. در نتیجه عده دیگری از مردم، به همراه بازداران و به پشتیبانی از پاسداران، وارد عمل شدند. یکی از عوامل بسیج این افراد، شخصی به نام شهاب‌الوند بود که عده‌ای از مردم را به سنگ و چماق و تفنگ ساخته‌ای مسلح کرده و با دادن شعارهای «مرگ بر کمونیست»، «مرگ بر خرپاکه» و گروه مردم را در برهمن قران داد.

پاسداران برای برقراری آرامش و متفرق کردن مردم مجدداً مبادرت به تیراندازی کردند، که نتیجه آن وخیم تر شدن اوضاع و شدت گرفتن زدو خورد بود. اندکی بعد، عده‌ای از پاسداران دزفول نیز به پاسداران اندیمشک ملحق شدند و به این ترتیب درگیری خونین شکلی کلامی به وجود گرفت. شدت این درگیری به حدی بود که در همان ساعات اولیه بر خورد ده‌ها تن مجروح و چند تن کشته شدند.

درگیری اندیمشک روز ۲۶ اسفند نیز ادامه یافت و در این روز نیز تعداد زیادی مجروح و کشته به جای گذاشت. بالاخره عده‌ای از مردم روز ۲۷ اسفند در راه آهن اندیمشک متحصن شدند و خواستار استقلال اندیمشک به صورت شهرستان، محاکمه مسببین حوادث این شهر و شخص فرماندار دزفول، کار برای بیکران، آزادی کلیه دستگیر شدگان حوادث اندیمشک و محکوم کردن رادوی تلوویزیون به خاطر سانسور خبرهای درگیری، شدند.

زمینه اصلی این درگیری را باید عمدتاً در بیکاری گروه‌های وسیع زحمتکشان شهر و روستا، گرانی و بالا بودن هزینه زندگی، وعده‌های بدون نتیجه مسئولین شهری، دادن شعارهای انحرافی از جانب برخی سازمانها و گروهها، انحصارطلبی و قدرت‌شمایی فرماندار دزفول و مسئول سپاه پاسداران دزفول، تحریکات مرتجعین محلی و بطور کلی ناتوانی دولت در برتامه‌ریزی جهت ایجاد کار و کنترل قیمت‌ها جستجو کرد. علاوه بر این‌ها نقش عوامل ضدانقلاب، قاچاقچیان و فرست‌طلبان نیز نباید نادیده گرفته شود.

به هر جهت، حوادث اندیمشک زنگ خطر دیگری است که باید در کشور به صدا درمی آید. بر مقامات دولتی است که هر چه زودتر زمینه‌های ناراضی را از بین ببرند و اجازه ندهند که این حوادث تامل‌آلود تکرار شود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دزفول هم که تاکنون عمدتاً درست عمل کرده و تاکنون در توزیع زمین، مصادره اموال ضدانقلابیون و اعداهای انقلابی، مبارزه با قاچاق اسلحه و خرابکاری در منطقه بطور فعال شرکت داشته و اخیراً یکی از قاچاقچیان اسلحه به نام شیخ یعقوب را، که در ارتباط با عوامل پمشی عراق بوده، دستگیر کرده است، متأسفانه در این ماجرا بر خورد شتابزده و نادرستی داشته است.

**تبلیغات امپریالیستی علیه افغانستان بخاطر اصلیت ضد امپریالیستی و ضد نفوذالی انقلاب افغانستان است**  
محمد رحیم رفعت عضو کمیسیون مربوط به روابط خارجی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان گفت که تبلیغات غرب علیه افغانستان بخاطر اصلیت ضد امپریالیستی و ضد نفوذالی این انقلاب است. محمد رحیم رفعت گفت که بخاطر این اصلیت هم‌اکنون دستگاه‌های تبلیغاتی غرب و چین علیه افغانستان برای افشای است. مقام برجسته افغانی اضافه کرد که افغانستان مخالف صدور انقلاب است، اما هیچ‌وجه صدور ضدانقلاب را نیز اجازه نمی‌دهد و توطئه‌ها را درهم می‌شکند. محمد رحیم رفعت اضافه کرد که تبلیغات غربی چون مسخره و بی‌اساس است، به این جهت دیر یا زود افشا می‌شود و هم‌اکنون افشا شده است.

**مسائل معاصر**  
**آسیا و آفریقا**  
تألیف دانشمند بزرگ  
روایات فنیسی  
**رومان ادبی**  
تألیف ای. متر  
**ترجمه شهید**  
سیاسی اجتماعی

# فروش کالا به کارگران شهرداری تهران از طریق شرکت تعاونی مصرف کارمندان شهرداری

دبیر شورای مدیریت دفتر روابط عمومی شهرداری تهران در پاسخ‌خبرنامه مردم، در شماره ۱۳۴ مورخ ۵۸/۱۰/۲۶، تحت‌عنوان «تعاونی مصرف شهرداری و کارگران» طی نامه‌ای اعلام داشته است:  
شرکت تعاونی مصرف کارمندان شهرداری از ماه قبل به کارگران شهرداری تهران کالای فرود و هیچ مانعی در این جهت وجود نیاورده است و اخیراً نیز بطور رسمی نام شرکت تعاونی مصرف کارمندان را به «شرکت تعاونی مصرف کارکنان» تغییر یافته است. نامه مردم - ما ضمن ابراز خوشحالی از این موضوع، امیدواریم که پس از انقلاب خدایم‌ایلیستی و خلقی مردم ایران، دیگر هیچ‌گونه تبعیض از این نوع وجود نداشته باشد.

# از نامه مجاهدین خلق به امام خمینی: توطئه امپریالیسم آمریکا و بختیار خان برای فعالیت‌های ضد انقلاب

شاه خائن با اشاره و صوابدید از پاهای امریکائی خود راهی قلب منطقه شده است تا در مرکز قتل ساواکیا و دژ خیمان فراری و زیر چتر امنیتی و نظامی سادات واسرائیل کماکان توطئه بر علیه انقلاب ایران را از نژادیک ادامه دهد. در همین دلیل نیز آنها در مدت اقامت اسفند در بیمارستان بر ضد آمدن ل فرود ملت ایران از هیچ‌گونه شایعه‌پزدانی پانداشته‌اند. همچنین در این ایام نوکر سرسپرده دیگر امریکا، یعنی بختیار خیا ننگار، به فعالیت‌های بی‌سابقه‌ای در اروپا دست زده و مرادوات و مسراجبات بسیار پیدا کرده است. قبل از این نیز شاهد بودیم که امریکا هم‌زمان با فعل و انفعالات شدید نظامی در منطقه تلاش بنسود تاسد رکسوت کنفرانس پاکستان سران ارتجاعی وابسته به خودش در منطقه را از سوچ احساسات ضد استعماری امریکایی که تحت رهبری شما در منطقه برانگیخته شده بود، مصون دارد، چرا که امریکا بر غم‌منطق خنده‌پذیر خلقها و تاریخ جهان گمان این داشته و دادد که افکار عمومی کشورهای تحت سلطه را تا آنجا که می‌تواند از دشمن اصلیشان منحرف سازد. حال اینکه شما بارها بارها تاکید فرموده‌اید که امریکا این شیطان بزرگ جهان دشمن اصلی است و کلیه روابط و پیوند های استعماری، اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی بایستی با آن قطع گردد.

متأسفانه تا این تاریخ منویات ضد امپریالیستی شما مبنی بر قطع تمام پیوندهای استعماری چنانکه باید اجرا نشده و علی‌هذا برای همه مسلمانان انقلابی ایران در رابطه با آنچه فوق‌العرض شد اسباب نگرانی است.  
(کیهان، ۶ فروردین)

**منتشر شد**  
**هنوز مشی چریکی**  
**جدا از توده**  
(مروری در دیدگاه‌های سازمان چریک‌های فدائیی خلق و گروه راه‌کارگر)  
**حیدر مهرگان**

# شوخی نیست...

## یک بار دیگر مسیح...

خوب شد که نمرود و در این قرن عجیب، باردیگر شاهد مسیح دیگر، شدید. البته این جناب مسیح از سالهای دور معرف حضور ما ایرانیها بود، ولی متأسفانه ماملت بی‌استعداد توجه نشده بودیم ایشان «مسیح» هستند، تا اینکه خواهر محترمه ایشان، که درجهان بعنوان «جسمه عفت» شهرت دارند، مارا از خواب غفلت بیدار کردند و به شبکه تلویزیونی ای. بی. سی آمریکا فرمودند: «اگر مسیح دیگری وجود داشته باشد، مسلمانان درمن است، زیرا او آنقدر خوب، درستکار و باشرف است که هیچ‌گاه نمی‌تواند کسی را برنجاند. محضراً پهلوی زندگیش را وقف ایران کرد. اوفقیترین شاه جهان است»

## ای ملت یاغی...

حضرت جرج بوش، رئیس پیشین سازمان اطلاعات آمریکا، که همان سیاه باشد، اظهار لحنه فرموده‌اند که: «ملت ایران یاغی است و دانشجویان مسلمان یرو خط امام تروریست هستند»  
متأسفانه از نظر رئیس پیشین سیاه ملت ایران قصد دارد به یاغیگری ادامه دهد، یعنی می‌خواهد تمام منابع ثروت خود را تا بحال مال آمریکا بود، در اختیار خود بگیرد. دانشجویان مسلمان بی‌روبط امام هم قصد دارند به اعمال تروریستی خود ادامه دهند و جلوی فعالیت جاسوسخانه آمریکا را بگیرند، چه میشود کرد، ملت ایران با تعریف سیاه از یاغیگری و تروریسم موافق نیست!

# جهان از نگاه امپریالیستی

روز ۶ فروردین ماه سال ۱۳۵۸، وسایل رسمی ارتباط جمعی ایران همچنان از نگاه خبرگزاریهای امپریالیستی جهان رادیدند. در سه بخش خبری رادیو و تلویزیون ایران همه اخبار از قول منابع امپریالیستی ذکر شد، به غیر از ۳ خبر، که منبع دوخبر آن خبرگزاری پارس بود و منبع یک خبر خبرگزاری تاس. در این روز خبرگزاری فرانسه در کورداد تسخیر وسایل ارتباط جمعی رسمی ایران بود. جدول زیر این واقعیت را نشان میدهد:

نام خبرگزاری	ساعت ۱۳	ساعت ۲۱
فرانسه	۸ خبر	۱ خبر
آسوشیته پرس	۶	۱
رویتر	۲	-
یونایتد پرس	۲	-
فرانسه به نقل از تاس	۱	-
پارس	۲	-
تاس	-	۱ خبر
سختگویی و مجاهدین	-	-
انقلاب اسلامی افغانستان	-	۳
واشنگتن پست	-	۳
نیویورک تایمز	-	۱
گاردین	-	۱
رادوی لندن	-	۱

# کارت پستال‌های آمریکائی برای آزادی گروگانها

امپریالیست‌های آمریکائی و وابستگان آنها اخیراً برای آزادی گروگان‌های آمریکائی دست به ترفند جدیدی زده‌اند. آنها تعداد زیادی کارت پستال مزین (۱) به پرچم آمریکا چاپ کرده و در زیر پرچم نوشته‌اند: گروگان‌ها را آزاد کنید.  
این کافدهای پستی، که ظاهراً در ایران چاپ شده، به همه مدارس، دانشگاه‌ها، ادارها و اماکن خصوصی و دولتی پست شده است.



# سرگذشت توده‌ای

گاهواره‌ام دست‌انداز پینه‌ها بود.  
تیر و کمان کودکی ام را  
در برجهای کیوتو شکستم  
تا آشیان عقابان آهنین بگشایم.  
چرم چروکین چهر پدرم  
با افزارم بود،  
به توله‌ای فریاد و تیرای سکوت  
پاشنه کشیدم.  
طره معطر رویاها  
کمندم بود،  
از گم حصار آسیاها  
فرود آمدم.  
در چشمم قوزه پنبه بود و  
دستم نشان خوشه‌گندم داشت.  
بانشای رنج  
در شالی شهر بندان به گل زدم  
خالی اینانم را  
تا ستاره بچینم!

گا و آهن سرمایه  
پرنیان دشت کار را شیار می‌زد.  
ازدهای عطش جباران  
بر بستری از خون و خاموشی یله داده بود.  
عصب آتشک میهن‌ام  
با خون زمین و فرمان زرادخانه وحشت  
می‌رفت،  
از تنور آتشی که در دل شب بود  
گرم شدم.  
رودبار غارت  
موج غم به ساحل ملال میکوبید،  
در ریشه‌های باستانی زحمت  
چنگ زدم  
از تالاب‌ها گذشتم و ماندم!

در من آتشی زبانه می‌کشید.  
سنگر دودین و آزه‌ها  
ملحفه چرکین درد را درمان نبود.  
دستی در من دری گشود.  
در سرم پیروزال تنی بود  
که غوره خشم مویز می‌کرد.  
کفش‌های کودکان  
در ماتم خیابان‌ها  
از گرمای پاها دست می‌شستند  
می‌خواستیم پای عجز بر کبود کمر گاه زمین  
غمگانه نمائد.  
در فروغ فردا می فرشته‌ای بود،  
بااطلسی قلبش شوقی  
تانه زلف زمستان  
که گیسوان زمین را بافه بافه بیافد.  
از نیای خویش نشان داشتم:  
ترازو راتراز ندیدم  
توده‌ای شدم!

**نامۀ مردم**  
از گان مرکزی غرب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸  
جانب، کلریان

**MARDOM**  
No. 198  
28 March 1980

Price:  
West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.

از انتشارات  
حزب توده ایران

**منتشر شد**

نخستین  
**صد شماره**

نامۀ  
«مردم»

(دوره هفتم از شماره ۱ تا ۱۰۰)  
در یک مجموعه  
جلد شده

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود